

فدراسیون یهودیان ایرانی

شماره
شوفار
SHOFAR

Iranian Jewish Federation

سال دوم - شماره ۲۲ - فوریه ۱۹۸۴ - اسفند ۱۳۶۲ - آدار ریشون ۵۷۴۴

آی آدمها که بر ساحل نشسته شاد و خندانید
یک نفر در آب داردمی سپارد جان
یک نفر دارد که دست و پای دائم می زند
روی این دریای تند و تیره و سنگین که می دانید
آن زمان که مست هستند از خیال دست یابیدن به دشمن
آن زمان که پیش خود بیهوده پندارید
گرفتستید دست ناتوانی را
تاتوانایی بهتر را پدید آرید
آن زمان که تنگ می بندید بر کمر هاتان کمر بند
در چه هنگامی بگویم یک نفر در آب دارد می کند بیهوده جان قربان

نیما یوشیج



۵۱۵

راه فروش چیست؟

بهترین حربه در امریکا تبلیغات است



شرکت کتاب برای چهارمین سال متوالی

«کتاب راهنمای مشاغل و نیازمندیهای ایرانیان

(یلو پیج ایرانیان) ۱۹۸۴»

رامنتشرمی کند

KETAB CORP.

16661 Ventura Blvd.,
Encino, CA 91436

تلفن: **(818) 99 KETAB**

995-3822

SHOFAR

IRANIAN JEWISH FEDERATION

6505 Wilshire Blvd., Suite 1101
Los Angeles, Ca. 90048

Tel: (213) 655-7730
(213) 655-7731

شوفار

سال دوم

اسفند ۱۳۶۲

فوریه ۱۹۸۴

• شوفار بوسیله فدراسیون یهودیان ایرانی که سازمانی است غیرانتفاعی و ثبت شده منتشر میشود. هدف ماعتلای فرهنگ یهود، حفظ و بزرگداشت ارزشهای قومی و اخلاقی یهودیت و توسعه فرهنگ فارسی در میان یهودیان ایرانی خارج از کشور است.

مدیراداری: الیاس اسحقیان
مشاور فنی و هنری: کامران خاورانی
بامکاری شورای نویسندگان

• نویسندگان و علاقه مندانی که نوشته هایشان در این ماهنامه منتشر میشود همگی قلم خود را برای بندگان در اختیار شما گذاشته اند. باشد که این خدمت گامی در راه تشویق شما دوستان دست بقلم برای پیوستن به ما بشمار آید.

• مقالاتی که با ذکر نام نویسنده و یا منبع خبری چاپ میشوند در محدوده مسئولیت خود نویسنده و آن منبع خبری است.
• نقل و اقتباس مطالب شوفار با ذکر مأخذ آزاد است.

بهای درج یک نوبت آگهی

۵۰ دلار	۱/۱ صفحه
۸۵ دلار	۱/۶ صفحه
۱۲۰ دلار	۱/۲ صفحه
۱۵۰ دلار	۱/۲ صفحه
۲۵۰ دلار	یک صفحه کامل
۳۵۰ دلار	بست جلد

مهلت قبول آگهی برای درج در شماره آینده تا ۲۵ فوریه ۱۹۸۴ می باشد



مسئول آگهی ها:

شرکت کتاب

(213) 99 KETAB
995-3822

جنوب کالیفرنیا
شمال کالیفرنیا (۴۱۵) ۶۹۷-۶۷۶۶

یادداشت ماه



اینک بیش از پنج سال از مهاجرت اجباری گروه کثیری از همکیشان ما به لوس آنجلس می گذرد. مطمئناً در طول این مدت همه ما به این امید دلخوش بودیم که هر چه زودتر آرامش و صلح بر آسمان تیره و تار میهن ما پرتو افکن خواهد شد، و ما بار دیگر به سرزمینی که قرن ها است در غم و شادی آن شریک بوده ایم، به کشوری که هزاران خاطرات زیبا و دلکش از آن بیاد داریم باز خواهیم گشت، متأسفانه آنچه که امروز شاهد آن هستیم آن است که این اقامت اجباری دارد به درازا می کشد و اقامت موقت ما خواه و ناخواه به اقامت دائم تبدیل می شود.

از بدو ورود ما به این دیار گروهی متمهد مؤمن، عده ای که به مسئولیت خویش در قبال اجتماع واقف بوده اند با همتی والا ولی امکانات مالی قلیل به ایجاد کنیسا در نقاطی که بیشتر مورد تجمع برادران و خواهران ما بوده است همت گماشتند که در آن میان می توان از ایجاد کنیسیای نصح اسرائیل در قسمت مرکزی و کنیسیای ولی در قسمت غربی لوس آنجلس نام برد.

همانطور که گفتیم متأسفانه از آنجا امکانات مالی اجازه نمی داد این دو مرکز مهم مذهبی و فرهنگی مجبور شدند در محل های اجاری فعالیت خود را آغاز نمایند و همه ما آگاهیم که گه گاه با چه مشکلاتی مواجه بوده اند.

ما به همه کسانی که ایجاد این دو مرکز مرهون زحمات و کوشش آنهاست، کسانی که همه ناملازمات را بجان خریده اند تا بتوانند چراغ یهودیت را پر بارتر و پرفروغ تر نمایند بدیده تحسین و ستایش می نگریم. ما معتقدیم که جامعه ما هم می تواند وهم قدرت آنرا دارد که در محل هایی که بیشتر مورد اجتماع همکیشان ما است مراکز فرهنگی و مذهبی از آن خود داشته باشد و این وظیفه همه افراد اجتماعی از پیرو جوان وزن و مرد و بزرگ و کوچک است که کمر همت ببندند تا ما نیز بتوانیم همگام با سایر همکیشان مقیم لوس آنجلس مرکزی که در شان جامعه یهودی مقیم لوس آنجلس است خریداری نماییم.

اخیراً آگاهی یافتیم که دوستان ما در منطقه ولی موفق شده اند که قطعه زمینی را برای ایجاد یک مجتمع فرهنگی و مذهبی خریداری نمایند و اجازه ساختمان آن نیز با وجود مخالفت های بیشمار با سعی و کوشش مسئولان کنیسا دریافت شده است. ما اعتقاد و ایمان راسخ داریم که با پشتیبانی و کمک های بی دریغ و همه جانبه همه افراد بزودی شاهد ساختمان این مرکز بزرگ فرهنگی و مذهبی خواهیم بود.

از ذکر این نکته نیز نمی توانیم خودداری نماییم که هم اکنون تعداد بیشتری از برادران و خواهران ما در منطقه مرکزی لوس آنجلس زندگی می کنند و تهیه یک مجتمع فرهنگی و مذهبی در این قسمت نیز از اهم ضروریات جامعه است. ما مطمئنیم که چنانچه محل مناسبی یافت شود با همت عالی که در همه برادران و خواهران خود سراغ داریم وجوه لازم برای خریداری این محل نیز در کوتاهترین مدت تهیه و پرداخت خواهد شد.

به امید آرزو

فلسطین

در چهارچوب حوادث



دردوده اخیرمسأله فلسطین وچگونگی ادعای اعراب و اسرائیل براین سرزمین یکی از مشکل ترین مسایل خاورمیانه را تشکیل داده است. اما اساسی ترین نکته که متاسفانه کمتر به آن توجه شده است این است که اصولاً فلسطین به کجاوچه محدوده جغرافیایی اطلاق می شود. زیرا هم اکنون که دوکشور مستقل بنام اردن و اسرائیل در این محدوده زندگی می کنند و تعدادی عرب نیز که خود را فلسطینی می دانند این سرزمین را از آن خود می دانند. حدود مرزی اسرائیل کمابیش برای همه روشن است و موضوعی که باید مورد بررسی قرار گیرد موقعیت فلسطین و حدود حقانیت فلسطینی هانسیست به آن می باشد.

در پایان جنگ جهانی اول و باشکست دولت عثمانی و تصرف منطقه توسط بریتانیای کبیر، «مجمع ملل» آن موقع که حکم سازمان ملل امروز را داشت صرفاً به حکم آنکه فلسطین جزئی از متصرفات دولت عثمانی بود و در ضمن ساکنان محلی عرب آن هم هیچگاه در طول تاریخ حکومت مستقلی در این ناحیه نداشتند، منطقه را تحت اختیار کشور انگلیس قرارداد. یهودیان دنیا که بیش از دو هزار سال منتظر استقلال و مدعی تاریخی این آب و خاک بودند با توجه به اینکه دولت انگلستان خود با انتشار اعلامیه بالفور در سال ۱۹۱۷ این حق یهودیان را در مورد داشتن یک حکومت مستقل در سرزمین فلسطین به رسمیت شناخته بود، امیدوار بودند که بتوانند با این «اختیاردار» جدید بهتر از هر کس دیگری کنار بیایند و در نتیجه پشتیبانی خود را از این امر اعلام داشتند.

این منطقه که با آغاز قیمومیت انگلستان رسماً فلسطین نامیده می شد عبارت از سرزمینی است که از غرب به دریای مدیترانه، از شرق به

عراق و عربستان سعودی، از شمال به سوریه و لبنان و از جنوب به مصر و عربستان سعودی محدود می شود و شامل تمامی اسرائیل و اردن امروزی است که در واقع تمامی سرزمینی است که اعلامیه بالفور به آن اشاره می کرد.

ولی دوماه بعد از آنکه مجمع ملل فلسطین را در اختیار بریتانیا گذاشت، و بنسبتون چرچیل که در آن موقع وزیر مستعمرات انگلستان بود قوانین بازاری را عوض کرد و برخلاف شرایط مجمع ملل و اعلامیه بالفور، طبق گفته خودش در یک بعد از ظهر در قاهره بدون مقدمه تمام اراضی شرق رود اردن (یعنی اردن امروزی) را از فلسطین جدا کرد و عبدالله هاشمی (پدر بزرگ ملک حسین) را به سمت امارت آنجا منصوب نمود.

ولی همچنان قیمومیت انگلستان را بر آن منطقه به قوت خود باقی گذارد و در نتیجه سکنه منطقه چه در غرب و چه در شرق رود اردن کماکان به عنوان فلسطین رسمیت داشتند بطوریکه به عنوان مثال همچنان با گذرنامه های فلسطینی مسافرت می کردند. این امر طبیعتاً شامل کلیه مردم فلسطین از جمله یهودیان فلسطینی، اعراب فلسطینی و اعضای قبیله هاشمی می شد.

رهبران یهودی وقت که طبق اعلامیه بالفور در انتظار ایجاد دولتی مستقل در سرزمین فلسطین بودند و اکنون تمامیت ارضی آن را در خطر می دیدند اعتراض خود را نسبت به این مسأله ابراز داشته و از دولت انگلستان توضیح خواستند. سیرالک کیرک برابر نماینده وقت انگلیس در شرق اردن علت تقسیم را به این شرح بیان نمود: «از این سرزمین که هشتاد درصد خاک فلسطین را تشکیل می دهد به عنوان رزرو استفاده خواهد شد تا بتوان در آنجا کلیه اعراب فلسطین را سکنی داد و به این ترتیب مقدمات تشکیل اسرائیل را در فلسطین فراهم آورد». طبق این اظهاریه دولت انگلستان هرگز قصد تشکیل

مملکت مستقل اردن را در شرق رود اردن نداشته و انگیزه واقعی چرچیل در انجام این کار چنین بوده که چون در آن زمان دولت انگلیس ملک فیصل برادر عبدالله هاشمی را پادشاه عراق کرده بود برای راضی کردن عبدالله برادر فیصل هشتاد درصد فلسطین را به وی بخشیدند. از طرف دیگر چرچیل که برای عملی کردن برنامه های خود توافق رهبران یهودی را ضروری می دید با دادن وعده و وعید نظر تعدادی از آنان را نسبت به مسأله جلب کرد. به این ترتیب نماینده های یهودیان برای آنکه با تشکیل مملکت اسرائیل لطمه سنگینی به سکنه عرب فلسطین وارد نشود قبول کردند که به شرط نقل مکان آنها به شرق رود اردن چهار پنجم این سرزمین را در اختیار آنان قرار دهند. یکسال بعد وقتی مسلم شد که اعراب غرب اردن از سکونت در قسمت اردنی فلسطین خودداری می کنند و ولادیمیر ژابوتینسکی ادعای یهودیان را نسبت به شرق رود اردن تجدید نمود. وعده های چرچیل و ادعاهای ژابوتینسکی هم اکنون جزئی از تاریخ است. با تشکیل امارت اردن اشتهای اعراب برای تصرف مابقی فلسطین تشدید شد و بالاخره منجر به قیام های عربی سال های ۱۹۳۹-۱۹۳۶ و بعد از آن انتشار کتاب سفید انگلستان در سال ۱۹۳۹ گردید. کتاب سفید مهاجرت یهودیان را به سرزمین فلسطین منع می کرد. در سال ۱۹۴۶ انگلستان استقلال قسمت شرقی فلسطین را بنام کشور اردن هاشمی اعلام نمود.

سازمان ملل که تاسیس اردن را به عنوان یک واقعیت مسلم غیر قابل بازگشت پذیرفته بود در نوامبر ۱۹۴۷ رأی به تقسیم مابقی فلسطین به دو کشور عربی و یهودی داد و بدین ترتیب دستور

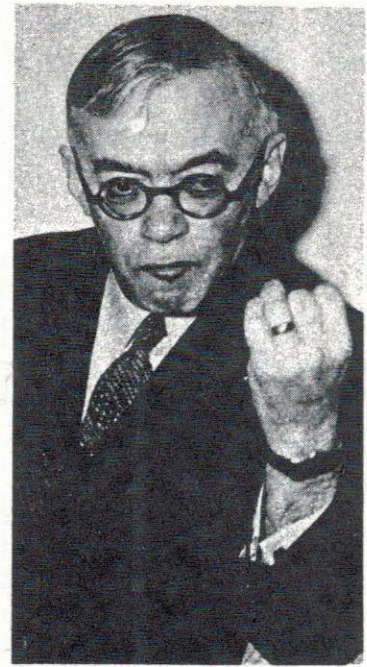
عربی که بدین منظور خرج می شود بیشتر است.

خلاصه اینکه از لحاظ تاریخی سرزمینی که بنام فلسطین مورد اختلاف است منطقه ای است که در آن زمان مسکن عده ای از یهودیان، اعراب فلسطینی و اعراب قبیله هاشمی بوده. این سرزمین بخاطر منافع حکومت قیم وقت به دو قسمت عربی و یهودی تقسیم شده، منتهی قسمت باقیمانده آن توسط سازمان ملل متحد مجدداً تقسیم شده است. بهر حال در حال حاضر در فلسطین که به قیمومیت انگلستان داده شد دو کشور مستقل تشکیل شده است، یکی کشور اسرائیل است که بیست درصد فلسطین را در بر دارد. قسمت عربی این تقسیم اردن است که هشتاد درصد تمام فلسطین را در اختیار دارد و شصت درصد جمعیتش را اعراب فلسطینی تشکیل می دهند. اگر فلسطینی ها از حکومت موجود در قسمت عربی فلسطین رضایت ندارند لازم است باتوجه به اکثریتی که در این مملکت دارا هستند در مورد نحوه حکومت تصمیم لازم را اتخاذ نمایند.



عبدالله، رهبر قبیله هاشمی و امیر اردن

دریافت خسارت سنگنی یافته اند. و در اجتماع خود عناصر مولد و سازنده را تشکیل می دهند. جالب اینکه بودجه ای که دولت اسرائیل در راه سنگنی دادن آوارگان عرب در اختیار سازمان ملل گذاشته است از بودجه های هریک از کشورهای



ولادیمیر زابوتینسکی

تخلیه نیروهای انگلیس را از منطقه صادر نمود. با خروج نیروهای انگلیس یهودیان فلسطین در ماه ۱۹۴۸ اعلام استقلال کردند و بلافاصله مورد تهاجم نیروهای هشت کشور عربی قرار گرفتند.

هدف از این تهاجم بنا بر اعلامیه های رسمی این هشت کشور تصرف اسرائیل و نابودی کامل جمعیت یهودی فلسطین بود. جمعیت عرب اسرائیل بنا بر تئوری همین کشورها دستورمفتی اعظم اورشلیم به اختیار خود و برخلاف توصیه های مکرر رهبران اسرائیل و وعده های مساوات و برابری در قبال قانون، این خاک را ترک کردند و به «لطف» کشورهای عربی مبدل به آواره های جنگی گشتند. این عده شصدهزار نفری آوارگان جنگی هنوز هم بعد از سی و پنج سال زندگی در سرزمین های عربی، به حکم آنها، بخاطر منافع سیاسی و به امید تصرف دوباره اسرائیل و نابود کردن جمعیت یهودی آن از طریق نظامی و بعدها تروریسم جهانی، یا آواره هستند یا آواره نگاهداری می شوند. از طرف دیگر در مقابل این عده که بنا بر خواسته خود از اسرائیل خارج شدند تقریباً ۸۵۰٫۰۰۰ نفر یهودی هم از سرزمین های عربی بیرون رانده و آواره گشتند و به اسرائیل رفتند. باتوجه به تمام مساعی و کوشش هایی که کلیه سازمان های بین المللی و کشورهای جهان غرب منجمله خود اسرائیل برای سروسامان دادن فلسطینی ها کشیدند، و بودجه های عظیمی که برای این کار در اختیار دول عربی قرار گرفت، آن ۶۰۰٫۰۰۰ نفر بخاطر سیاست بازی های جهانی هنوز آواره اند، ولی این ۸۵۰٫۰۰۰ نفر بدون



طرح انقلابی در استفاده از انرژی خورشیدی

دانشمندان اسرائیلی طرح تازه ای ارائه داده اند که باعث بحث و گفتگوهای فراوانی در مورد استفاده از انرژی خورشیدی شده است. طبق این طرح، انرژی خورشیدی جمع آوری شده در مناطق بیابانی رامی توان به مواد شیمیایی انرژی زاتبدیل کرد. سپس این مواد شیمیایی از طریق لوله به مناطق صنعتی بی بهره از نور خورشید برده شده و طی مراحل ویژه ای به انرژی گرمائی مورد استفاده کارخانه ها و تاسیسات صنعتی مبدل خواهد گشت.

تاکنون انرژی خورشیدی فقط در مناطقی استفاده می شد که محل جمع آوری انرژی نیز همان منطقه بود. در ضمن هنگام تبدیل انرژی خورشیدی به انرژی الکتریکی ۷۵ درصد از انرژی بهدر می رفت لیکن با استفاده از این طرح تازه فقط ۲۵ درصد انرژی از بین خواهد رفت.

در حال حاضر گفتگو در مورد موفقیت این پروژه ادامه دارد و بزودی تاسیسات جدیدی که از این طرح استفاده خواهند کرد توسط یک شرکت اسرائیلی برای کارخانه برق ادیسون کالیفرنیا در «صحرای موآوه» شروع به کار خواهد کرد.

(نقل از شماره ۳۹ ژورنال جوانان ولی)



دیدار صدراعظم آلمان از بیت المقدس

هلموت کهل، صدراعظم آلمان غربی، در آخرین روزهای دیدار خود از اسرائیل به زیارت اورشلیم رفت. وی طبق مراسم سنتی یادداشتی نیز در دیوار ندبه قرارداد. اقدامات امنیتی در طی این دیدار به شدت بی نظیری اجرا شد زیرا که اخیراً گروه های تندرو یهودی مسئول چند انفجار در مساجد و کلیساها در اورشلیم بودند و با مخالفت شدید اسرائیلی ها از تصمیم آلمان مبنی بر فروش اسلحه به کشورهای غربی بیم آن می رفت که در اورشلیم به جان وی سوء قصد شود.

(نقل از شماره ۴۱ ژورنال جوانان ولی)

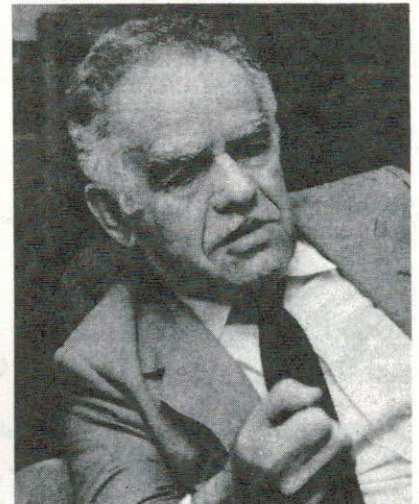
ودرنظرگرفتن نیروی رزمی اسرائیل اقدام به جنگی درمدیترانه شرقی بنمایند. چون خوب می دانند هرگونه حمله ازطرف آنها مواجه بانیروهای سرسخت وجنگجو اسرائیل خواهد شد وشکست آنها مثل گذشته قطعی است.

این قرارداد هدیه به کشور اسرائیل نیست وازهرلحاظ به نفع کشور امریکا نیزمی باشد چون شوروی وسوریه بخوبی متوجه می شوند که اسرائیل دیگر تنها نیست وهرگونه اقدام جنگی برعلیه اسرائیل بمنزله اعلام جنگ برعلیه دوکشور امریکا واسرائیل می باشد واین قرارداد به دول غربی وناتو کمک خواهد کرد.

ازنقطه نظر هزینه های دفاعی هم چنانچه حساب دقیقی بعمل آید متوجه خواهیم شد که این قرارداد به اقتصاد امریکا کمک موثری می نماید چون اگر قرار شود که امریکا ناوهای جنگی خود را با دارا بودن ۸۵ هواپیمای جنگی در سواحل مدیترانه شرقی جهت جنگ احتمالی نگاه دارد متضمن ۱۷ میلیارد دلار باضافه هزینه های دیگر در سال خواهد بود. و حال آنکه اسرائیل با دارا بودن ۷ برابر نیروی حساب شده بموقع می تواند به کمک امریکا بشتابد، صرفنظر از اینکه خلبان های اسرائیلی به مراتب کارآزموده تر و باشهامت تر از خلبان های امریکایی می باشند و در هدف گیری خیلی دقیق تر و دیر آسب ترمی باشند.

موقعیت جغرافیایی اسرائیل که در چهار راه سه قاره جهان واقع شده بهترین موقعیت را جهت امریکا فراهم نموده که می تواند تحرک کامل وآمادگی برای جلوگیری بحران های از این منطقه را داشته باشد. و به آسانی بتواند حمله را از طرف مقابل دفع نماید. این نکته رانیز نباید فراموش کرد که فقط اسرائیل است که با سلاح های تازه و وسایل پیشرفته جنگی امریکا آشنایی کامل دارد و فرمانده های اسرائیلی با استعداد و قابلیت خود می توانند طرز مبارزه با این وسایل را به نرات تحت تعلیم خود یاد بدهند و در نتیجه همان نرات امریکایی را در جنگ هانجات دهند. بنابراین نباید انتظار داشت که اسرائیل به مناسبت این قرارداد امتیازی به امریکا بدهد. چون نفع طرفین قرارداد تقریباً مساوی است.

ترجمه: روح الله رهبان



قرارداد استراتژیکی امریکا واسرائیل

که در اتخاذ سیاست های خود در این منطقه حساس تشریک مساعی نموده وهمکاری کامل داشته باشند چون در حقیقت هر دو کشور دارای هدفهای مشترک می باشند که شامل صلح وثبات در این نقطه از جهان است. این قرارداد مسلماً کمک خواهد کرد که اقدامات سیاسی امریکا از این به بعد موثر واقع شود و نتیجه بهتری عاید گردد. جهت جلوگیری از نفوذ شوروی در خاور میانه اسرائیل رامی توان بهترین یاور وهم پیمان امریکا دانست و هیچکدام از کشورهای دست نشانده شوروی قادر نخواهند بود بدون محاسبه دقیق

در پاسخ مقاله سردبیر لوس آنجلس تایمز مورخ ۴ دسامبر که قرارداد استراتژیکی امریکا واسرائیل را یک طرفه اعلام نموده، ومعتقد است که برای امریکانفعی در بر نخواهد داشت آقای تینن بام یکی از مدیران فدراسیون یهودیان امریکا در همین روزنامه چنین نوشته است:

باعث تعجب است که سردبیر محترم معتقد است قرارداد بالا یکطرفه می باشد و برای امریکا نفعی در بر نخواهد داشت حال آنکه طبق این قرارداد دو کشور موافقت کردند

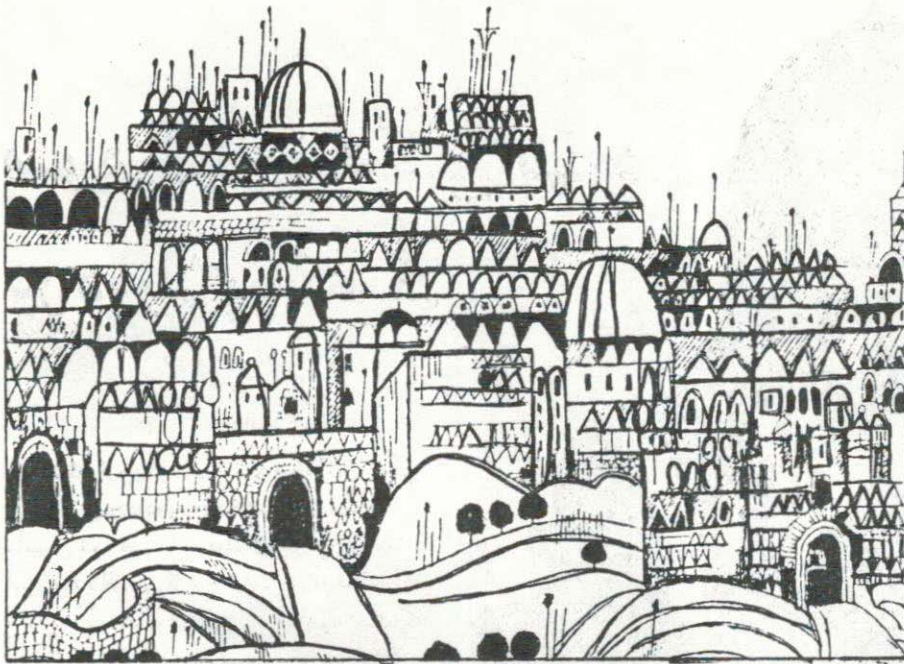
پاپ یهودی

در چند شماره گذشته تحت عنوان بالادستان هایی از یک کتاب رابه نظر خوانندگان عزیز رساندیم. اینک دنباله این کتاب:

«آنالکتوس دوم» در سال ۱۱۳۰ به مقام پاپ برگزیده شد، ولی برای پیدا کردن نژاد یهودی وی لازم است چند نسل به عقب برگردیم. جد آنالکتوس دوم که «باروخ» نام داشت یک بازرگان ثروتمند یهودی بود که در محله یهودیان روم زندگی می کرد و از طریق اعانات وی یک کنیسادر آن محل اداره می شد، باروخ در ضمن مشاور اقتصادی و وکیل خرج پاپ «بندیکت چهارم» هم بود و سرانجام بخاطر حفظ روابط مالی خود با کلیسا، بنا به دستور بندیکت چهارم مجبور به تغییر مذهب و گرویدن به مذهب مسیح گردید و نام عیسوی بندیکت را برای خود انتخاب کرد، اما کماکان فعالیت های خیریه خود را در مورد کنیسیایی که خود سرمایه گزاری آنرا نموده بود ادامه می داد و در میان مردم نیز به همان نام قدیمی باروخ معروف بود. بدین ترتیب به نظرمی رسد که تغییر مذهب وی بیشتر جنبه اقتصادی داشته است.

پسر بندیکت باروخ هم در سمت وکالت خرج پاپ دیگری به نام لئوی چهارم خدمت می کرد. وی نیز همانند پدر اقدام به تغییر مذهب نمود و نام پاپ را برای خود انتخاب کرد و به نام لئو معروف گشت.

فرزند لئو که «پتروس لئونیس» نامیده می شد نام خانوادگی «پی یر لئون» را برای خویش انتخاب کرد. خانواده وی که به «روتچیلد های قرون وسطی» معروف می باشند در اواخر قرن یازدهم صاحب قدرت اقتصادی عظیمی در روم گردیدند و به دنبال



اشاعه قدرت خود به علت نزدیکی که بادستگاه پاپ داشتند وارد سیاست شدند و پیترو فرزند پتروس لئونیس با استفاده از نفوذ خانواده وارد مدرسه علوم مذهبی کلونی شد و با گذشت زمان به مقام کاردینالی رسید.

در این زمان، پاپ وقت «هونوریوس دوم» بود و از آنجا که وی از بیماری شدیدی رنج می برد کاردینال های مسیحی در صدد انتخاب جانشینی برای وی بودند.

خانواده پیرلئون با استفاده از موقعیت پیترو را برای این مقام کاندید نمودند. از طرف دیگر یک خانواده پر قدرت و بانفوذ مسیحی به نام خانواده «فرانچپانی» نیز یک کاندیدا برای مقام پاپ معرفی نمود و با خانواده پیرلئون به رقابت پرداخت. نزاع دو خانواده بر سر رهبری کلیسا چندین سال به طول انجامید تا بالاخره با درگذشت هونوریوس دوم در سال ۱۱۳۰

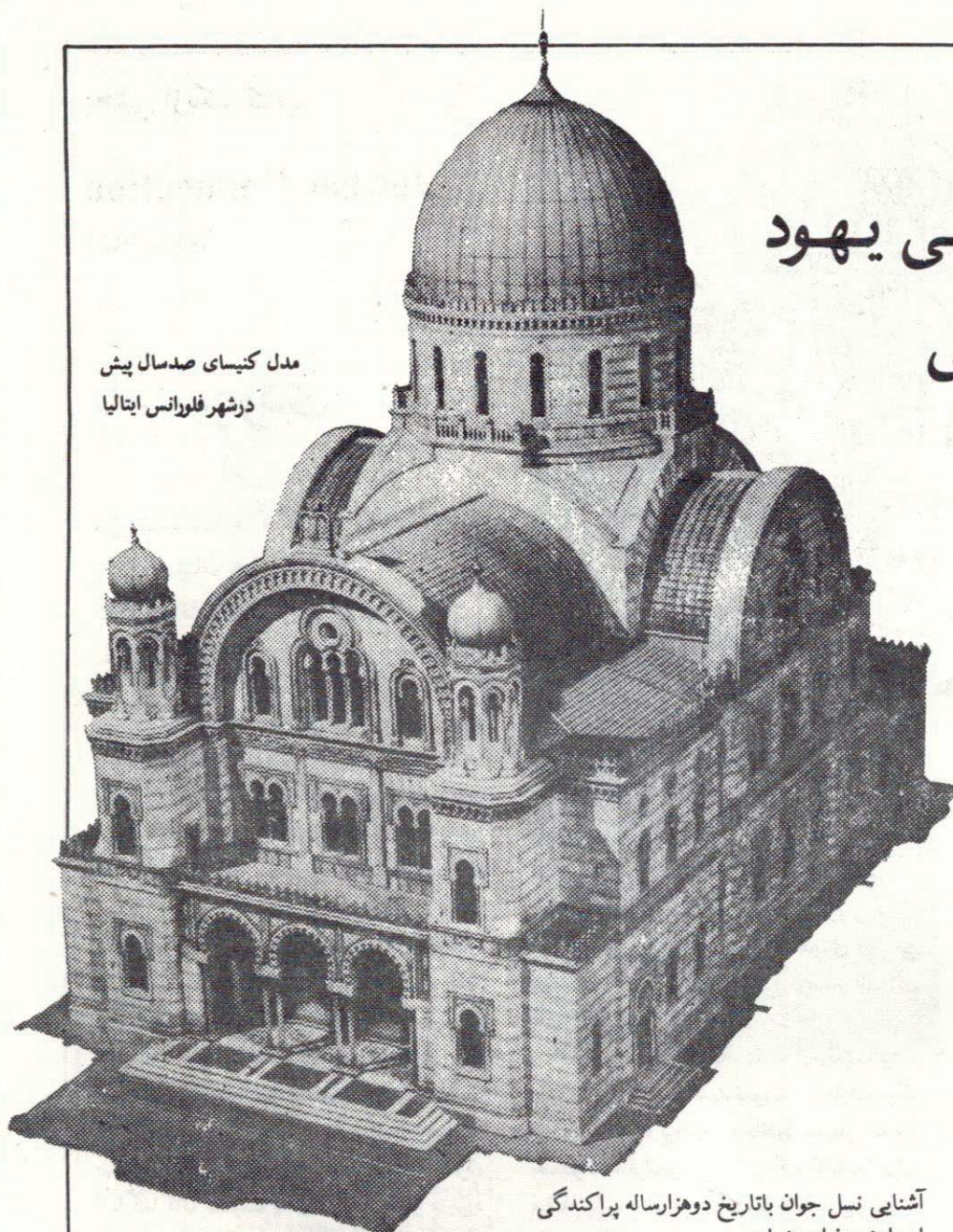
خانواده فرانچپانی با عجله مجمع کاردینال ها را با حضور تعداد بسیار کمی از آنان تشکیل دادند و کاندیدای خود را که به لقب «اینوسنت دوم» معروف بود به پاپی برگزیدند. کاردینال های طرفدار خانواده پیرلئون که از این نحوه عمل خانواده فرانچپانی به خشم آمده بودند این انتخابات را ملغی اعلام نموده و با تشکیل یک مجمع بسیار بزرگتر در همان روز پیترو رابه سمت پاپ انتخاب نمودند و به وی لقب پاپ آنالکتوس دوم دادند. البته دعوا به اینجا خاتمه نیافت، بزرگان و اشراف روم به طرفداری از آنالکتوس پرداختند و اینوسنت دوم صلاح بر آن دانست که از روم

خارج شود و به فرانسه برود. در آنجا اینوسنت فعالیت های خود را بر علیه آنالکتوس تشدید کرد و حتی طرفداران بانفوذی هم پیدانمود، ولی از آنجا که مرکز دستگاه پاپ همیشه در روم بوده و قدرت آنالکتوس هم در آنجا تزلزل ناپذیر بود اینوسنت دوم تا موقع وفات آنالکتوس در سال ۱۱۳۸ نتوانست ادعای خود را بر کرسی بنشاند، گرچه با اشاره به نژاد یهودی وی رسمیت انتخابش را مورد تعرض قرار داد. دائرة المعارف جدید کاتولیک در این مورد چنین می نویسد: «انتخابات دوگانه مورخ ۱۴ فوریه ۱۱۳۰ چنان غیر قابل ارزیابی هستند که رسمیت مقام بین اینوسنت دوم (از ۱۱۳۰ تا ۱۱۴۳) و آنالکتوس دوم (از ۱۱۳۰ تا ۱۱۳۸) در سال های ۱۱۳۰ تا ۱۱۳۸ غیر قابل تشخیص می باشد.

در کتاب پاپ های محلات یهودی دکتر یهو یاخیم پرینز که مدت سی سال در مورد خانواده پیرلئون تحقیقات علمی بعمل آورده، مدارکی ارائه می دهد که بر مبنای آن علاوه بر آنالکتوس دوم دونفر دیگر از اعضای خانواده یهودی پیرلئون نیز به مقام پاپ انتخاب گردیده اند. این دونفر عبارتند از گرگوری ششم و گرگوری هفتم. در ضمن گرگوری هفتم که از نواده های دختری لئو بود به مقام تقدس هم رسید و به گرگوری معروف گشت. بدین ترتیب نه تنها پاپ یهودی وجود داشته بلکه در این رابطه یهودی مقدس هم در تاریخ وجود دارد.

ترجمه: سام کرمانیان

موزه آثار زندگی یهود در دوران پراکندگی



مدل کنیسی صدسال پیش
در شهر فلورانس ایتالیا

بیش از چهارسال است موزه آثار زندگی و تاریخ یهود در دوران پراکندگی، در تل آویو تأسیس شده است. سردر نمای بیرونی ساختمان این موزه با اقتباس از برج تیتوس در رم بنا شد که نمایشگر انتقال ظروف مقدسی است که رومیان در سال ۷۰ میلادی بعد از خرابی معبد دوم همراه خود از اسرائیل بردند. خرابی معبد دوم آغاز دورانی است که یهودیان از سرزمین آبا و اجدادی خود آواره و در سراسر جهان پراکنده شدند و به اصطلاح زندگی در «گالوت» را آغاز کردند. قطعات بزرگ سنگ به نشانه سنگ های دیوار ندمه یا چنانکه امروز گفته می شود، دیوار غربی، سردر ساختمان راتزیین می کند و بر روی هم مجموعه برج تیتوس و سنگ های دیوار غربی بخوبی آغاز این دوران را در زندگی ملت یهود مجسم می نماید.

کمی بالاتر پرده های بزرگ برای نشان دادن اسلایدهایی که سیمای ۲۰۰ یهودی را از سراسر جهان نشان می دهد دیده می شود. این تصاویر چنان با هم اختلاف دارند که افسانه شباهت کلی یهودیان را بکلی نفی می کند.

مجموعه آثاری که در این موزه گردآوری شده زندگی یهودیان را، فارغ از شکل ظاهر و محیط زیست آنان، نشان می دهد و نشانگر میراث فرهنگی و قومیت و هویت ملی یهود است.

موزه با الهام تخیل شاعر یهودی لهستانی آبا کونر که هفت دروازه برای هستی قایل است به هفت بخش تقسیم شده که جنبه های اصلی زندگی یهودیان را که خمیرمایه وحدت ملی قوم ما است نشان می دهد. این هفت بخش عبارتند از: خانواده، جامعه، مذهب، فرهنگ، زندگی در میان ملت های دیگر، بازگشت و یادبود شهیدان یهود.

هدف از تأسیس این موزه آن بوده است که ملت یهود بتواند تاریخ و فرهنگ خود را که بعد از قربانی شدن شش میلیون یهودی در جنگ جهانی دوم بشدت آسیب دیده و آثار آن از دست رفته بود دوباره احیاء کند و وسیله ای برای

آشنایی نسل جوان با تاریخ دوهزارساله پراکندگی اجداد خود فراهم نماید.

به این منظوری یک گروه بین المللی از کارشناسان اینگونه موزه ها تشکیل شد و اعضای آن بعنوان مشاور یا مجری در فراهم آوردن آثار این موزه خدمت کردند. هنرمندان بسیاری از موزه بریتانیا، موزه مترو پلین و سایر دست اندرکاران در این طرح مشارکت داشته اند، و مدت هشت سال و مبلغ ۱۰ میلیون دلار برای تأسیس موزه صرف شده است.

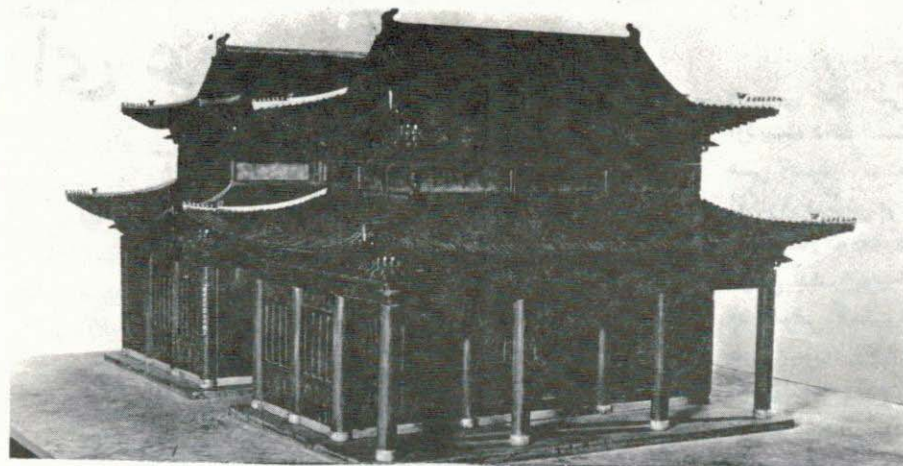
در این موزه اجباراً از رعایت قانون اصالت آثار هنری موزه ها صرف نظر و همه چیز نمونه برداری و بازسازی شده است. علت این امر آن است که آثار اصلی که بازگوکننده تاریخ یهود از جنبه های مادی آن باشد و بتواند در اختیار موزه قرار گیرد در یک دوره طولانی تاریخ وجود نداشته است و عملاً از پایان دوره بیزانتین تا رنسانس جز چند سنگ قبر و چند سند دست نوشته چیزی

باقی نمانده و یک فاصله ۱۰۰۰ ساله در این مورد بوجود آمده بود.

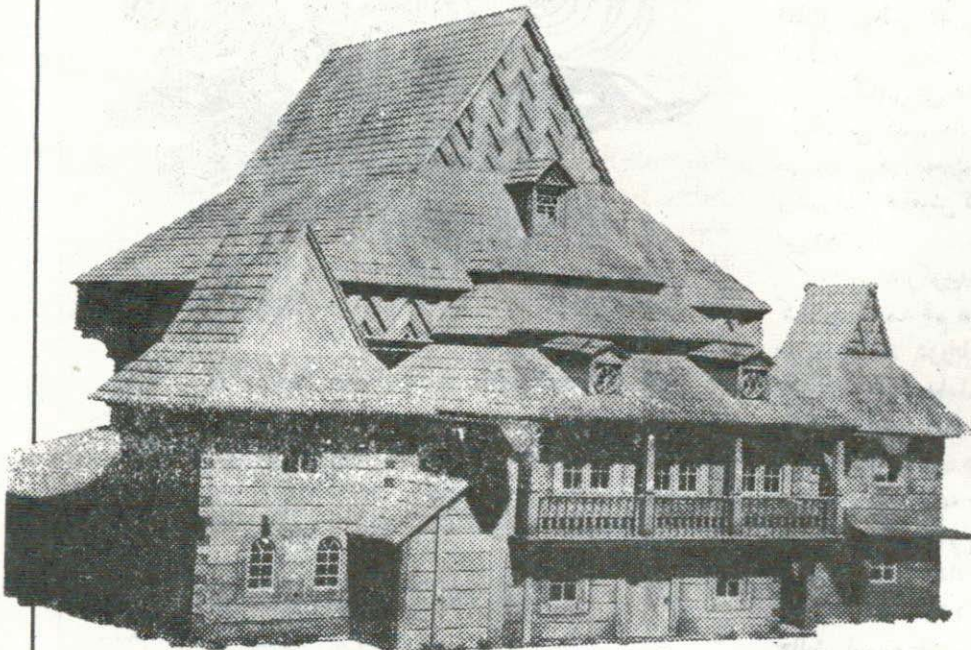
در فراهم آوردن آثار زندگی یهودیان در دوران پراکندگی کوشش شده است نسل جوان از طریق کاربرد شیوه های علمی و وسایل پیشرفته با تاریخ ملت خود آشنا شوند. پیشرفته ترین وسایل سمعی و بصری، دیوراما (تصویرهای سه بعدی) مدل سازی، نقاشی، تلویزیون مدار بسته و غیره در این موزه بکار گرفته شده است.

در قسمت خانواده تصاویر بسیاری جمع آوری شده که سنت های خانوادگی یهود را از تولد تا مرگ و هم چنین مراسم مختلف مذهبی را نشان می دهد. مجسمه های گچی مراسم تولد، ختنه، بر میتصوا، عروسی و اعیاد را تجسم می کنند.

در بخش جامعه این شعار از تلمود که می گوید «همه یهودیان در برابر یکدیگر مسئولیت



مدل کنیسه‌ی یهودیان چین



مدل کنیسه‌ی قرن هفدهم در شهر زابلودو در لهستان

دارند» روی دیوار نصب شده است. کنیسه‌که هسته مرکزی جامعه یهود است همراه با مدارس مذهبی، دادگاه‌های شرع، یشواها، قصابخانه کاشرون و خانه‌های یهودی نشان داده شده است. ماکت ۲۰ کنیسه‌ی مشهور که از قرن سوم میلادی تا امروز شناخته شده، کارالکساندر کوفمن که واقعاً مایه اعجاب است در این موزه به معرض نمایش گذارده شده است. کنیسه‌ی آمستردام که در ساختمان آن معماری کنیسه‌های سفارادیک قرن هفدهم در پرتقال الهام گرفته شده و تا امروز نیز برپا است نمونه بارزی از معماری باروک است. صندلی‌های رودرو همراه با بالکن مجهز به درب‌های آهنی که مخصوص زنان بوده است و نیز شمعدان‌های آن شاهکاری از هنر رامجسم می‌کند. در کنار این کنیسه ماکت یک کنیسه‌ی قرن سیزدهم به سبک معماری گوتیک که در شهر پراگ واقع بوده است چشم گیر است.

یکی از گوشه‌های جالب این موزه که در عین حال چندان هم جدی بنظر نمی‌رسد بانک اطلاعات کامپیوتری آن است. بازدیدکنندگان می‌توانند با فشار دادن یک دکمه اطلاعات مربوط به ۳۰۰ شهر را که در دوران پراکندگی از قرن شانزدهم تا امروز محل زندگی یهودیان در سراسر جهان بوده است بدست آورند. یک برنامه کامپیوتری دیگر شامل اطلاعات درباره زندگی و تاریخ یهود است و بازدیدکننده می‌تواند اطلاعات خود را در پرسشنامه‌های کامپیوتری ضبط و صحت آنها را از کامپیوتر سؤال کند.

در بخش فرهنگ و زندگی در میان سایر ملل، اسناد دست آورده‌های یهود را در ایام زندگی در جوامع غیر یهودی نشان می‌دهد. در یک قسمت نقش یهودیان در هنر، ادبیات، موسیقی، فلسفه، سیاست، آموزش و پرورش، روزنامه نگاری و تأثیر جمع آوری شده و تصاویر بزرگ از مهلر، مندلسون، اینشتین، کافکا، مادیکلیانی، فروید، پیسارو، شاگال، افن باخ، شونبرگ، مارکس، و سایرین همراه فیلم‌هایی از زندگی آنان دیده می‌شود.

نمودارها و نقشه‌های بسیار، مسیر و میزان مهاجرت یهودیان را از اسرائیل به اسکندریه، بابل، و اسپانیای قرون وسطی و هم چنین به نقاط دیگری در جهان امروز نشان می‌دهد. تعداد زیادی تابلو نقاشی و عکس که مبین خدمات و نیز مقاماتی است که یهودیان در دادگاه‌ها، ارتش، طب و سیاست و فلسفه در اسپانیای قرون وسطی بدست آوردند جمع آوری شده است. آنگاه ناگهان صحنه بیک تراژدی تبدیل می‌شود. بعد از هزار سال یهودیان در قرن سیزدهم

اشاره:

در این موزه از زندگی یهودیان ایران اطلاعات اندکی جمع آوری شده و به همین مناسبت اخیراً عده‌ای از یهودیان ایرانی کمیته‌ای بمنظور جمع آوری اطلاعات و مدارک درباره تاریخ و زندگی یهودیان ایران تشکیل داده‌اند. جادارد همانطوریکه در صفحه ۲۶ شماره ۱۹ شوفار نیز قبلاً از خوانندگان گرامی تقاضا شده بود همکیشان عزیز ضمن همکاری با این کمیته اسناد و مدارکی را که در اختیار دارند و نشان دهنده نحوه زندگی خانوادگی و اجتماعی و تأسیسات یهودیان ایران می‌باشد از طریق آقای دوید نظریان به این کمیته بپایند تا پس از نسخه برداری برای موزه عیناً به آنان مسترد گردد.

از اسپانیا اخراج می‌شوند. هلند و شمال اروپا آنان را پذیرامی شوند و یهودیان بار دیگر در این قسمت از جهان می‌درخشند. کرامول دیده می‌شود که یهودیان را به انگلیس می‌پذیرد، رامبراند کنیسه‌های آن روزگار را نقاشی می‌کند و بالاخره انقلاب کبیر فرانسه و تابلوهای آزادی یهودیان در این کشور و سرانجام مهاجرت و زندگی یهودیان در آمریکا به صورت هزاران فیلم، سند و عکس جمع آوری شده است. سپس گذرگاه خطرناک بازگشت به صیون نشان داده می‌شود، بامتورای بزرگ و اشعار کونر درباره زندگی و مصائب یهودیان اروپای شرقی و سرانجام تنها ستونی که بیادبود شهیدان یهود برپا شده و خودگویای بار سنگین این مصائب است.

ف. پیروز

آی عشق، آی عشق

هفت روزهفته



دوشنبه

نادر و برویم نشسته است. تکیده و خسته و برآشفته. تقریباً همه هستی خود را طی چند سالی که از این کوچ ناخواسته می گذرد، از دست داده است. جسسته گریخته، اینجا و آنجا، چیزی از این دست می خرد و از آن دست می فروشد و گذران زندگی می کند.

از کار و زندگی می پرسم، جواب می دهد: «کار که چه کاری. ولی خوب، بهر جان کنده ای، لقمه نانی درمی آید. توی این جامعه ای که تظاهر بیداد می کند، باسیلی که چه عرض کنم، آدم باید با کشیده آبدار صورتش راسخ نگاهدارد. پس، بیرون از خانه، تودرد و جبهه می جنگی. جبهه کسب قوت لایموت و جبهه لبخند مسخره شادی در مقابل این آن که انگار نه انگار که نواز جاه و منزلتی که در سرزمین خود داشته ای یک نخود پایین تر آمده ای. در کشاکش این جان کنده هاستی که جبهه سوم از پشت سروا داخل صفوفی که توفرمانده آن هستی بازمی شود و طبعاً نظام از بطن که بهم ریخت صحبت از پاشیدگی است و متلاشی شدن».

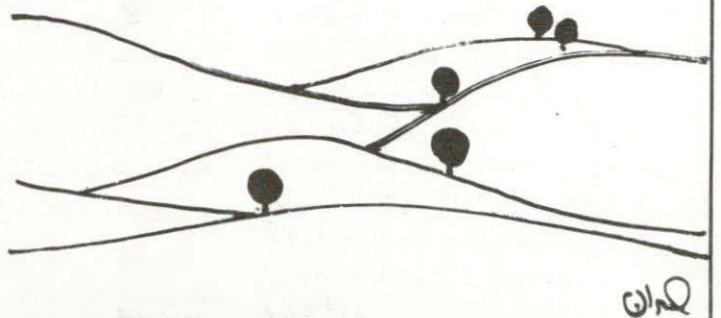
بانگاهی بی تفاوت بمن نگاه می کند. کلافه است. به او جای تعارف می کنم، جای راداغ داغ، دیشلمه سرمی کشد. سیگاری آتش می زند. پکی محکم و طولانی به سیگار زده دود آرایک نفس می بلعد و کبریت خاموش شده را توی زیرسیگاری می اندازد و حرفش را ادامه می دهد.

«خسته و کوبیده از کار می رسی. پشت درخانه نفسی عمیق می کشی. همه غم ها و گرفتاری های روز را پشت درمی گذاری. کلید می اندازی. در را بازمی کنی و بداخل خانه می روی. بچه های می پزند که: سلام بابا. برگردنت می آویزند. بابوسه ای از بچه ها خستگی روزانه را از تنت بیرون می کنی. بعد بسوی مادرت می روی، اخم هاتوی هم. سرش را می بوسی، آه می کشد. بسوی همسرت می روی، جواب سلامی به سردی یخ های قطبی - درمیابی که باز برخوردی رخ داده. مادر عصبانی است که ده بار گفته علاج سینه دردش به دانه است و هیچ کس محل اون گذاشته است، سهل است، باو خنندیده اند و بدبختانه در این سن و سال بالا، منطق هم حالیش نیست و تنهایی هم دارد بیچاره اش می کند. همسرت از دست مادرت عصبانی است بچه ها از دست هردوی آنها. همسرت علاوه بر این دلخوری، مسایل عدیده دیگری ذهنش را بخود مشغول داشته است. به پالتو پوست می اندیشد و اینکه عروسی دعوت دارد و لباس شب تازه ای که کسی ندیده باشد ندارد. نگران است که فلانی در بل ار خانه خریده و ماهنوز اجاره نشین هستیم. فرمود:

خانه از پای بست ویران است

خواجه در فکر نقش ایوان است

خبر ندارد که اگر چرخ روزگار بر همین پایه بچرخد، بزودی یاری مالی پرداخت همین اجاره را هم نخواهیم داشت. و تو آهسته آهسته درمی یابی که دوست داشتن به معنای واقع مدت ها است از سرای تو کوچیده - و درختی که آشیانه عشق خود را بر آن بنا نهاده ای، در خاک بوک رفاه ریشه داشته است. و نهایت اینکه نیمه دوم تو خوش ندارد سختی را با تو تجربه کند. سهل است، تازه مدعی حقوق ازدست رفته خود بعنوان یک زن مساوی با مرد است که در این سرزمین، قانون این حق را به او می دهد و تو اگر نفس بکشی مردسالاری و مخالف تساوی حقوق زن و مرد و مترجم و صاحب فکری منحصر. و این حرف حنجره ات را می سوزاند که بگویی و دم بر نمی آوری که آن خانم امریکایی که از این حرف ها می زند، نصف بار زندگی را بطور مساوی با همسرش



بدوش می کشد».

نادر و برویم نشسته است. تکیده و خسته و برآشفته. مردی که هرگز یک کلام روی حرف زنش حرف نمی زد. و حالا هم از نحوای کلامش پیدا داشت که آنچه را بصورت درد دل با من در میان گذاشت، درخانه هرگز به زبان نیاورده است.

بندگردان شعر نابی از شاعر بلند آوازه سرزمینمان، احمد شاملو را یاد می آورم که می گوید: «آی عشق، آی عشق، چهره آبی ات پیدانیت».

سه شنبه

نامه مادر را با اشتیاق بازمی کنم. «سلام عزیزم، قربانت کردم...» هیچ کس، براستی هیچ کس - تا این حد از ته دل و در نهایت خلوص حاضر نیست پیش مرگ دیگری گردد که مادر برای فرزندش. «... کی گفته که چیزی گیر نمی آید. الحمدالله همه چیز فراوان است. خوب البته کمی گرانتر. خدا کند این جنگ لعنتی تمام شود، همه چیز درست خواهد شد». مادر از اخبار خانواده گی می نویسد، کی عروسی کرده، کی بچه دار شده، از همسایه ها، از مهدی حسن بقال سرکوجه مان، و پشت همه این خبرها، غم پنهان مادر موج می زند. غمی را که می خورد و دم بر نمی آورد. چقدر دل تنگ بچه ها باید باشد. حالا حدود پنج سال است که آنها رانندیده. «عکس های بچه ها رسید. فدایشان شوم، چشم بد دور چقدر بزرگ شده اند».

آخرین شبی که سرزمینم را پشت سر گذاشتم و عازم اینسوی دنیا شدم، مادر برای خدا حافظی در لحظات آخر رسید. پرسیدم «چرا اینقدر دیر؟» گفت «بیبام چه راتماشا کنم؟» روی تخت بچه هانشت و گریست و بچه ها در آغوش کشیدند و همه مان گریستیم. گفت «می دانم که دیگر بچه ها رانمی بینم». و از من دلداری که «قول می دهم پنج شش ماه دیگر دورهم باشیم» و پنج شش ماه دارد پنج شش سال می شود و هنوز هم که هنوز است مادر امیدواران اما دل شکسته، می نویسد: «انشالله گشایش بشود بلکه دیداری تازه کنیم».

مادر پیراست و بیمار. درست در روزهایی که نیاز دارد در کنارش باشیم. اقیانوس ها وقاره ها ما را از هم جدا می کند.

چهارشنبه

به چشمان شخصی که آنطرف میز و برویم نشسته چشم دوخته ام. مردی است میان سال بانگاهی بسیار صمیمی و آشنا. دوستی که این آقا را همراه آورده می پرسد:

— آقارامی شناسی؟

— مطمئن نیستم. نگاهشان خیلی آشناست.

— ایشان پسر ملاشعرون هستند.

هر دو از جابرمی خیزیم. من به احترام پدرش و اودست مرا می فشارد و از اینکه مختصراً در مقاله «مرثیه ای برای زادگاهم» از پدرش یاد کرده ام سپاسگزاری می کند. از پدرش می پرسم. هنوز اصفهان است و مشغول بکار همیشگی. پای صحبت بسر ملا می نشینم و باهم یادی از این روحانی سخت کوش می کنیم که زندگی خود را صادقانه وقف جامعه اش کرده است و بکار خیری که انجام می دهد مؤمنانه عشق می ورزد.

قد کوتاهی داشت. ریش سیاه بلند که همیشه برق می زد و نگاهی نافذ. کلاه شاپو مشکی و پالتو بلند سیاه. خیلی تندرته می رفت. سال پدر بزرگ و مادر بزرگ ها، همیشه ملاشعرون را می آوردیم. می خواند و تفسیر می کرد. یادم می آید سال های اول دهه ۱۳۳۰ دوره اوج تفکرات ضد مذهبی و گرایش جوانان بسوی ماتریالیسم بود.

در چنین مراسمی جوانان هملا را دور می کردند. و سؤال بود از معقول و منقول و فلسفه و عرفان و مکاتب سنخ های گوناگون فکری. ملاحظه یکایک سؤال ها گوش می داد. جثه کوچکش پشت توده کتاب های مقدسی که برای قرائت و موعظه همراه آورده بود ناچیز بنظر می رسید ولی در رویارویی با پرسشی بی جایاگاه اهانت آمیز به باورهای دینی اش، ناگهان این جرقه کوچک تبدیل به توده ای از آتش می شد. فریاد برمی آورد. از میان کتاب هایی که جلوش بود، یکی را بیرون می کشید، ورق می زد و انگشت روی آیه ای می گذاشت که شاهد ردادعای مدعیش بود. وقتی جوانک مخاطب خود را بهت زده و مستاصل می دید، ملاحظه عادت می داشت، با دودست به ران های خود می کوبید و قهقهه سر می داد، و ریش سیاهش بشدت تکان می خورد.

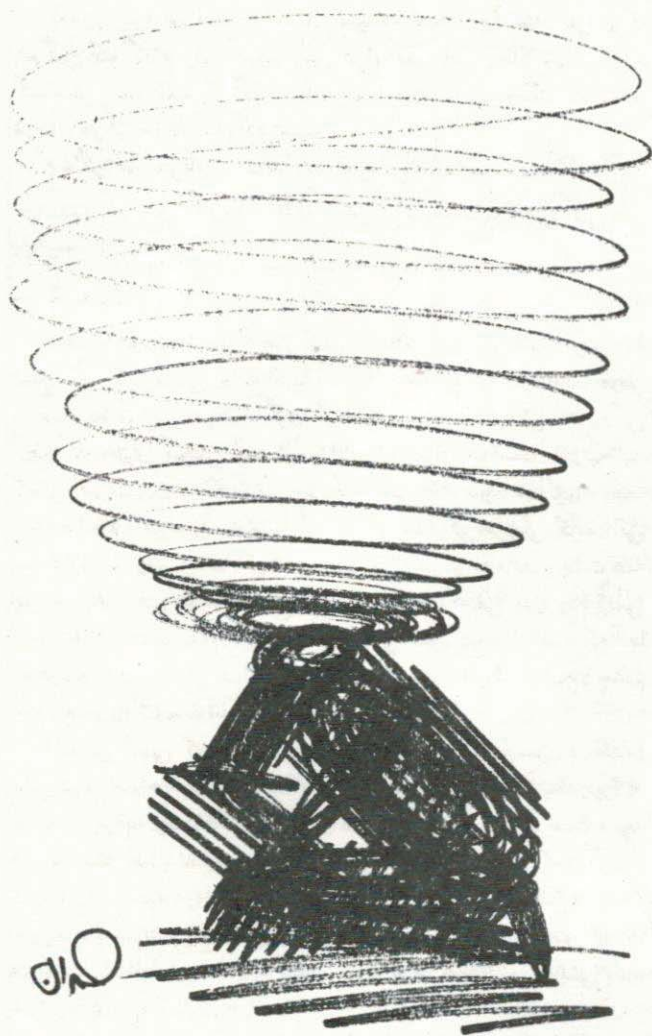
چند سال پیش که تصادفاً ملا را دیدم، ریشش تماماً سفید شده بود و صورتش پرچروک. اما هنوز تندرته می رفت و آرام حرف می زد. بادش گرمی و سایه اش مستدام.

پنج شنبه

یک مرد یهودی رومانی الاصل نقاش می شناسم که شخصیت جالبی دارد. سرطان حنجره داشته و قسمت هایی از جهاز تنفسی اش را با عمل جراحی برداشته اند. در زمان جنگ اسیر اردوگاه های کار اجباری نازی ها بوده. نمره اش را هم روی دستش حک کرده اند. روحیه عجیبی دارد. ثانیه های زندگی را گرمی می دارد - هر چند که، بقول خودش، مرگ در چند قدمی اوست. می گوید صدها لطفه مربوط به یهودیان اروپای شرقی و روسیه می دانم. یکی را تعریف می کند.

در یکی از شهرک های روسیه، در زمان حکومت تزارها، حاکم شهر، راو اعظم جماعت یهودی را پیش خود خوانده و به او می گوید: «بتو و جماعتت یک هفته فرصت می دهم که این شهر را ترک کنید». راو اعظم علت را می پرسد، حاکم می گوید: «بتو مربوط نیست» و امر می کند او را از محضرش بیرون بیاورند. راو اعظم غمزده و دلشکسته به کنیسه ای خود بازمی گردد و بعقوب سرایدار کنیسه را که مردی ابله بوده، بدنبال ریش سفیدان جامعه می فرستد، و همه به چاره جویی می نشینند و تصمیم بر این می گیرند که بطور جمعی نزد حاکم رفته و درخواست کنند در تصمیم خود تجدید نظر کنند چنین می کنند. «ای حاکم ذوالجلال، ما رعایای ضعیف تو هستیم. پدران ما قرن پشت قرن، در این شهر زندگی کرده اند. مزار همه آنها اینجا است. ما نیز می خواهیم در جایی که به آن تعلق داریم بمانیم و زندگی کنیم. رخصت ده ما بندگان مطیع تو باشیم. تو بزرگواری، تو عاقل و دانایی، تو مجمع جمیع علوم و فضایی، سایه ات مستدام باد». حاکم از این همه تعریف و تمجید شاد شده می گوید: «آنچه درباره من گفتید عین حقیقت است و برای اینکه اطرافیانم فکر نکنند که این صفات در مورد من صادق نیست، با شما این شرط را می کنم که اگر تا آخرین هفته، کسی از میان شما از من سؤالی بکند که من پاسخ بدهم «من نمی دانم» من تصمیم خود را در مورد راندن شما از این شهر عوض می کنم.

زعمای قوم بار دیگر متفکر و مستاصل در کنیسه دور هم جمع می شوند و هر چه فکر می کنند که چه پرسشی مطرح کنند که حاکم در پاسخ دادن به آن عاجز بماند، عقلشان به جایی قد نمی دهد - که ناگهان بعقوب سرایدار کنیسه از جای می پرد که «من می توانم اینکار را بکنم». چون بعقوب مرد جاهل و بی سواد بود، همه با تعجب به او نگاه می کنند و می پرسند که «تدبیر چیست؟» و بعقوب پاسخ می دهد «بگذارید بمهمه من!» و همه بدنبال او بسوی خانه حاکم راه می افتند. راو اعظم رو به حاکم کرده می



شاید مایه رستگاری تان گردد.

کیسه ای را روی میز می گذارد و من کتم رامی کنم و آستین پیراهن را بالا می زنم و اوتفیلین ها را با دقت از جعبه بیرون آورده، می بوسد و روی بازو پیشانی نصب می کند و تسمه را بدور بازو می پیچد و تا سرانگشت میانه و بندهای تسمه پیشانی را بدوسوی گردن من می آویزد و می گوید بفرمایید «باروخ آتا...» و من تکرار می کنم. کارش که تمام شد، سر برش می گذاریم. «جناب حاخام، هفته قبل این فشار سنج آسمانی را مثل اینکه سفت نبستی، درست جواب نداد. کاسبی تعریفی نداشت» در جواب می گوید: «نه خیر قربان، ایراد از خودتان است. اگر این چند دقیقه ای که این مراسم را انجام می دهید، راستی راستی با خدای خودتان خلوت کنید و با تمام وجود خواسته خود را با او در میان بگذارید، محال است جواب نشنود، البته مادامی که خواسته معقول باشد» یکی از بچه هامی گوید «جناب حاخام، ما متاسفانه فاصله مان به خدا زیاد شده، ممکن است امشب که با خدا خلوت می کنی برای مادرخواست یک میلیون دلار ناقابل بکنی؟» و جواب که: «من فقط مامورسیم کشی هستم. با همین تسمه هامن شمارا به خدای خودتان وصل کرده ام. اگر من چیزی از طرف شما بگویم، آنوقت - معذرت می خواهم - ممکن اسن ندا برسد که ای بنده من، مگر اینها خودشان از نعمت حرف زدن محرومند؟»

خیر آقا، طلبه جماعت هرگز در جواب دادن در نمی ماند!

ص. ابراهیمی

گوید: «قربان، پرسش ما را این آقا مطرح می کنند». حاکم رخصت می دهد و یعقوب می پرسد:

— حضرت حاکم به زبان فرانسه تسلط کامل دارند؟»

— «آری»

— «ممکن است بفرمایید، ترجمه ژونوسپه، چیست؟» و حاکم غافل از همه جا جواب می دهد.

— «من نمی دانم» که فریاد شادی را واعظم و همراهانش به آسمان بلند می شود و حاکم هم که مجاب شده بود، به یهودیان شهر اجازه اقامت می دهد.

یهودیان، این پیروزی را جشن می گیرند و مسلم این که یعقوب در این جشن مرکز توجه همه قرار می گیرد. همه گرد او حلقه می زنند و این پرسش که چطور عقل توبه این تدبیر جالب قدا داده و یعقوب در پاسخ می گوید:

«قضیه این است که هر موقع را واعظم و سایر طلاب دینی با هم درس فرانسه تمرین می کردند یک سؤال بود که هر کس از هر کس می پرسید. هیچ کس جواب آنرا نمی دانست. حتی من خودم شاهد بودم که یکبار یکی از طلاب از را واعظم پرسید ژونوسپه چه معنی می دهد و او جواب داد «من نمی دانم». خوب خیلی ساده است، وقتی را واعظم ما معنی این جمله را نداند، قطعاً حاکم هم نمی داند!»

جمعه

هر جمعه بعد از ظهر مایک مراجع دائم داریم. جوانی است ایرانی از دانشجویان یشیوا. کیسه ای پلاستیکی زیر بغل دارد. از دو طرف جلوشلوارش ریشه های پیراهن صیصیت او آویخته، ریشش هنوز پرنشده. حدود بیست ساله است. کلاه شاپو به سر می گذارد. همیشه لبخند به لب دارد. روزهای جمعه تعطیل هستند و این جوان، روز تعطیل خود را، بدون هیچگونه چشم داشت، از این مغازه به آن مغازه و از این خانه به آن خانه می رود و برای هر مرد یهودی که دم دستش بیاید تفیلین می بندد. وارد که می شود، با چنان صلابتی بسوی توقف برمی دارد که گویی همین لحظه از ملکوت اعلی، از کنار فرشتگان مقرب درگاه باری تعالی آمده و پیامی دارد.

و جوان طلبه ما پیامی زیبا دارد. پیامی از ایمان و رابطه دائم با معنویات که دردنیای مادی امروز، با این همه مشغله که گریبانگیر ماست، همه سخت از آن بدور افتاده ایم.

اینها نشریه ای دارند بنام تفکرات هفتگی که بفارسی و انگلیسی منتشر می شود و هر هفته مجاناً توسط دانشجویان یشیوا توزیع می شود. این نشریه شمه ای است از گفته ها و نوشته های او که گویا مرجع تقلید این گروه است. مراجع هفتگی ما امروز اصرار دارد که قبل از اینکه برای من تفیلین ببندد، نشریه را بخوانم. به حرفش گوش می دهم خلاصه نوشته این است که شخصی به راومز بوری نویسد که زندگیش سراسر بدیاری و بدبختی یکی بعد از دیگری است و پرسیده است که از چه رواست که خداوند باری تعالی با او کج افتاده و اینقدر او را می آزارد. و او چنین پاسخ می دهد:

بیماری را تجسم کنید که روی تخت اطاق عمل افتاده و جراح توانایی با جاقویی تیز برنده بالای سر او ایستاده است. از دیدگاه یک شخص ناظر ناآگاه از علم پزشکی، جراح انسانی است که قصد ارتکاب جرم دارد و وقتی جراح جاقویی خود را به تن مریض فرو کرد، از دیدگاه این ناظر فرضی ما، جراح مرتکب جرم شده است. حال آنکه جراح می داند چینی می کند. خداوند حادث است و دانا و خود می داند چه می کند. آنچه امروز برای شما درد آفرین است، روزی

مقدمه ای بردومین جلسه ازسری سمینارهای

فدراسیون یهودیان ایرانی تحت عنوان:

طلاق

بنام خداوند بخشنده مهربان و با کسب اجازه از حضار محترم.

دومین جلسه سمینار راتحت عنوان «طلاق» آغاز می کنم. قبل از معرفی سخنرانان محترم اجازه می خواهم درباره موقعیت فعلی افراد جامعه و وسیله طلاق مطالبی بعرض حضار محترم برسانم.

یک واقعیت غیر قابل انکار این است که ورود به این محیط موجب بروز بسیاری تغییرات و تحولات در مسیر زندگی، طرز تفکر افراد جامعه ما گردیده. اساس این تغییر و تحول صرفاً بر اثر تاثیر مستقیم و غیر مستقیم فرهنگ کشور جدید از یک طرف، نابسامانی های ناشی از دگرگونی اخیر در کشورمان ایران از طرف دیگر بوده است.

در میان علل و عواملی که منجر به افزایش بالای خانمانسوز طلاق در شرایط فعلی گردیده نظرات مختلفی ابراز می گردد. اینک بدون آنکه بخواهیم له و یا علیه اظهار عقیده کنیم نظرات ایرادی را در نهایت بی طرفی بازگویی کنم:

۱- عده ای منشاء اختلافات را شوهر می دانند و معتقدند بسیاری از شوهرها بعلمت عدم اشتغال بکار (چون میلیونها امریکایی دیگر که بیکارند) عدم آشنایی با زبان، با فرهنگ کشور، بعلمت نداشتن تخصصی که لازمه اشتغال به هرکاری ولو کوچک در این کشور است خانه نشین شده اند. خودخانه

نشینی صرف نظر از اینکه به غرور مرد لطمه زده است، موجب تخفیف شخصیت او شده است. حرمت خود را از دست داده است مخصوصاً اینکه بعلمت تماس نزدیک و لمس جزیی ترین اتفاقات داخل خانه ناگزیر از «مداخله»، ناگزیر از «بهانه جویی» شده است و این امر چون باروال گذشته وفق نمی دهد، چون به استقلال زن در خانه لطمه می زند منشاء بسیاری بگومگوها و اختلافات و در نتیجه مراجعه به دادگاه طلاق شده است.

۲- از جهت دیگر عده ای معتقدند رونق اقتصادی مخصوصاً طی سال های قبل از انقلاب در ایران موجب گردید بسیاری از مردم درآمدهای سرشار و سرمایه های زحمت نکشیده عایدشان گردد، و به تبع آن به برون گرائی ها، ولخرجی ها، گنده پردازیهای چشمگیر، چشم هم چشمی های افراط آمیز دست می زده اند و چون امروز صرف نظر از آنکه آن درآمدهای سرشار وجود خارجی ندارد مختصر ذخیره آنان نیز تیره کشیده، رویه و شیوه زندگی ۱۸۰ درجه به عقب برگشته، تطبیق بایک چنین موقعیت هم برای بسیاری غیر قابل هضم بلکه هنوز همان توقعات، همان تظاهرات، همان رفت و آمدها، همان دید و بازدیدها، همان مجلس آراییی ها مورد انتظار است ولی عملاً غیر ممکن، این امر نیز منشاء اختلافات بین زنان و شوهرانشان گردیده است.

۳- نظریه سوم که آنهم قابل توجه است این است که طبقه بانوان مخصوصاً طبقه جوان

با ورود به این محیط «آزاد» آنهم آزادی بمعنای وسیع کلمه، بعلمت تاثیر فرهنگ جدید، بعلمت جبر زمان سطح اطلاعات و فرهنگ عمومی آنها از جهاتی بالا تر رفته است. در نتیجه بالا رفتن سطح اطلاعات «بیدارتر»، «مشکل شناس تر»، «حقوق آگاه تر» شده اند. این «بیداری»، «حقوق آگاهی»، این احساس آزادی و تساوی جوئی موجب «نقص شناسی» گردیده. این نقص شناسی یک انقلاب فکری در آنان ایجاد کرده، موجب شیوع «انتقاد» بیشتر زنان از مردان گردیده. تحملشان نسبت به گذشته کمتر شده است. کم شدن تحمل موجب تزلزل و ناامنی ارکان خانواده گردیده و در نتیجه ستیز و بدبینی را در میان زمان و مردان نسل جوان دامن زده است. در مقابل نامالیقات حیات زناشویی دست به واکنش های انتقام جویانه زده اند. چنانکه وقوف دارید چندین مورد طرح پرونده های طلاق در جریان رسیدگی منجر به قتل زوجین در همین لوس آنجلس و خودکشی شوهر و یا قتل زن گردیده.

اینها همه آثار «ناخوش آیند» طرح پرونده های عدیده طلاق در دادگستری است مخصوصاً اگر اصحاب دعوی دچار بعضی از وکلای دادگستری از خدایی خبر بشوند، وکلایی که برای یک دستمال قیصریه رابه آتش می کشند، وکلایی که چون احساس کردند طرف ازمال و منال دنیا بهره ای دارد اورابه روز سیاه می کشانند، زیراتلاشی خانواده، به منجلاب بدبختی کشانیدن دو عنصر لجوج برای آنان فاقد اهمیت است. دو عنصری که بعلمت عدم «تعمق» و «مآل بینی» به وقایع و دورنمای سربابی که بعضی از این وکلای از خدایی خبر برای آنان مجسم کرده اند توجهی ندارند در نتیجه ناخودآگاه خود را به سراشیب سقوط و بدبختی می اندازند.

شاید برای عده ای حتی قابل تصور نباشد که در یک مورد پرونده طلاق یک زن و شوهر یهودی ایرانی گویا حق الوکاله وکلای طرفین در حدود چند صد هزار دلار بالغ گردیده. شاید برای عده ای قابل قبول نباشد که بعلمت اغوای بعضی از وکلا و ندانم کاری بعضی از شوهرها و خانام ها دخالت های بی مورد اطرافیان، خانواده هایی بکلی از نیستی

ساقط شده اند.

در این میان کسانی که باخت کرده اند متاسفانه اول شوهر وزن و به تبع آن کسانی که از عواقب ناخوش آیندین نکاح زیان دیدند فرزندان معصومشان خواهند بود.

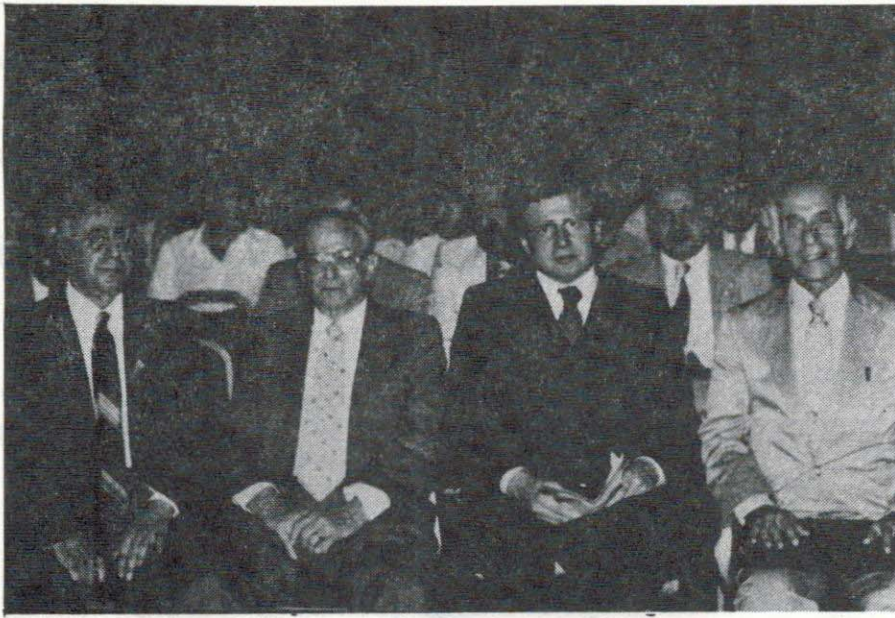
۴- عده ای راعقیده بر این است، علت کمتر بودن اختلافات در خانواده هادر گذشته بامقایسه با امروز وجود ایمان محکم به معتقدات مذهبی و باورداشت های دینی بوده است، بعلت رعایت هر چه بیشتر تعالیم کتب مقدسه در بین زنان و مردان بوده است. این به معنای واقعی سمبل ومظهر «اشت حایل» یعنی زن صالحه که در کتاب امثال سلیمان فصل ۳۱ آیات ۱۰ تا ۳۰ مقیداست بود که هر شب شبات آنرا تلاوت می فرمایند یعنی زنی که از هر گوهری گرانبهاراست... مرد نیز بعنوان همسر بعنوان شوهر به وظایف ومسئولیت، به حقوق واحترام زن شاید بیشتر توجه کرده ورعایت می نمود.

اما جای بسی خوشوقتی است که در جامعه ما بپسایزند، زنانی که عنوان افتخار آمیز «مادر» به آنان اطلاق می گردد وقتی درستایش عواطف مادرانه فرزندان معصوم فرار گرفتند بافداکاری، با از خود گذشتگی، با قبول محرومیت بخاطر جگر گوشه های خود، بخاطر آینده فرزندان خود با صبورشکیبایی، با گذشت و با سازش، با اراده آهنین در حل بسیاری مشکلات وسختیهایمکشند از متلاشی شدن کانون خانواده، از پراکندگی وسرگشتگی افراد خانواده جلوگیری می کنند. واگر مرد بر اثر جهل راه ناصواب طی کرده اورا با اخلاق ومدارا ارشاد می کنند.

هدف ازدومین سمینار تحت عنوان «طلاق» صرفاً بخاطر آن است که به ببینیم چگونه باید از اقسای که گریبانگیر خانواده هاشده است رفع اثر نماییم.

این است که از قضات ووکلای عالی مقام دادگستری، دکتر روانشناس متخصص در مشاوره وحل مشکلات طلاق دعوت بعمل آمده است که در این باره به تفصیل ایراد سخن کنند.

نکته جالب اینکه همه این آقایان بانوجه به ترجمه های سخنرانی های خود که ملاحظه می فرمایید یک صداهمه را از تسلیم درخواست طلاق وطی مراحل طویل وهزینه های گزاف دادگستری ووکلای آن بر حذر می کنند.



شرح عکس: از راست به چپ دکتر مارک فریمن - ناتان گلدبرگ - هری شیفر و سمود هارونیان گرداننده سمینارها

شرح حال مختصر دکتر مارک فریمن

استاد در روانشناس

- دارای درجه دکترا
- استاد روانشناسی - متخصص
- در مشاوره مسایل ومشکلات فردی، خانوادگی، ازدواج و دارای ۳۳ سال سابقه وتجربه در رشته تخصصی خود هیپنوتیزم.
- فارغ التحصیل دانشگاه ایلی نوی - دانشگاه کالیفرنیا جنوبی ورشته روانکاو از مؤسسه زوریخ - سوئیس.
- استاد یار سابق دانشگاه ایالتی لوس آنجلس.
- عضو هیأت رئیسه دانشگاه کالیفرنیا جنوبی.
- عضو سازمان هیپنوتیزم بالینی.
- عضو اتحادیه روانشناسان دانشگاه ایالتی کالیفرنیا.
- عضو اتحادیه روانشناسان شهرستان لوس آنجلس.
- استاد مؤسسه روانشناسی کالیفرنیا
- مؤلف مقالات متعدد علمی وهمچنین ایراد سخنرانی های متعدد در محافل علمی ودانشگاهی.
- در موارد عدیده بعنوان کارشناس خبره روانشناسی در دادگاهها در مورد حضانت اطفال ومرد مشاوره فرار گرفته است.

بقلم دکتر مارک فریمن

استاد روانشناس

ومشاور در مسایل ومشکلات فردی و خانوادگی

ناشی می شود صحبت کنم. زمانی نه چندان دور طلاق بمنزله یک مصیبت تلقی می گردید واجتماع بانظرو حشمت وتنفیر به آن می

منشاء وآثار عاطفی ناشی از طلاق خانم ها وآقایان - میل دارم امروز در باره مسأله طلاق واشکالاتی که از این جدایی

نگریست، اما در سرزمین امریکاجایی که در طلب خوشحالی فردی بودن مقام والا نی دارد، بی توجهی به مسئولیت های اجتماعی که در ایام قدیم وجود داشته امروز هم معمول و متداول است. امروزه بسیاری از افراد احساس می کنند که سندی که عقد نکاح یک تکه کاغذی بیش نیست و چنانچه بخواهند آنرا نادیده بگیرند برای زن و شوهر عامل بازدارنده ای نخواهد بود.

زمانی که یکی از زوج ها، مرد یا زن تنها در طلب برآوردن خواسته های خود می باشد طبعاً فرد دوم آزرده دل و خودراتنها احساس می کند معهد اجتماع فعلی مظاهراً این تلاش برای واقع بینی فردی را نادیده می گیرد و به آن توجهی ندارد. کثرت تعداد طلاق ها و جدایی ها خود بیان کننده این حقیقت است که در اجتماع مایک نقص اساسی وجود دارد. در جامعه ای که ارزش ها و بنیان های اجتماعی این چنین نابسامانی های زناشویی را تشویق می کند که منجر به ازهم پاشیدگی خانواده های می شود نتیجه می گیریم که شاید یک اشتباه و نارسائی اساسی در بین اجتماع ما وجود دارد.

همسرها هنگام ارائه احساسات به یکدیگر همانند بچه هایی هستند که باهم در گرمی شوند. ممکن است نسبت به یکدیگر ناراحت و احياناً خشمگین باشند به سبب مناشقات گذشته و ترس از بروز درگیریهای جدید ولی معمولاً پس از یک نزاع و کشمکش یارد و بدل کردن الفاظ که حاکی از ناراحتی های درونی مانند «می توانی اذیت خود را برداری و از این خانه خارج شوی» یا «دیگر منتظر من نباشید زیرا من برنخواهم گشت» و امثال اینها یک نوع آرامش و تسلی خاطر پیدای می کنند. اما وقتی حقیقتاً تصمیم به جدایی می گیرند از شدت ترس تقریباً حالت فلج به آنها دست می دهد. همبستگی مداوم هر کدام از همسرها این امکان را پیش می آورد که همسر مقابل تهدید به جد شدن و طلاق را بعنوان یک اسلحه بکار برد. هر یک از همسرها بوسیله تهدید طرف مقابل خود با اظهار این جملات که «اگر اوضاع همینطور ادامه پیدا کند» و «اگر تغییری در وضع دیگری ایجاد نشود» زندگی مشترک زناشویی آن دو پایان خواهد پذیرفت، یک نوع پریشانی ناشی از جدائی در شخص دوم بوجود می آورد بیدیهی است که تهدید روی

دو همسر اثر می گذارد و اگر واقعاً جدائی عملی گردد به زیان هر دو طرف خواهد بود ولی چون یکی از دو طرف موقتاً امکان جدا شدن را تحت کنترل خود دارد یک نوع ایمنی در قبیل جدا شدن بوجود می آید. بعضی از زوجها سعی می کنند تا زمانی که هنوز زندگی مشترک دارند این همبستگی و علاقه را خنثی نمایند. این نکته مورد قبول هر دو طرف هست که هر کدام آزادند راه خود را انتخاب کنند بدون اینکه نسبت به دیگری تعهدی بعهده بگیرند و بنابراین هیچکدام نباید به طرف مقابل خود تکیه داشته باشد، همسرها نباید اصرار بورزند که جدایی عاطفی بین آنها هم اکنون بوجود آمده است. این جنبه گیری ممکن است حفاظتی در برابر تهدیدات طرف دیگر باشد ولی به قیمت تنهایی دردناکی (که طبعاً ایجاد می شود) تمام می گردد.

از دواجی که فاقد همبستگی می باشد خودمانعی در برابر بوجود آمدن وابستگی های جدید نخواهد بود. مرد و زنی که از لحاظ عاطفی طی آخرین ماههای ازدواج خود نسبت به یکدیگر بیگانه شده بودند، بعداً اظهار نمودند که هیچوقت در گذشته به این درجه احساس تنهایی نکرده اند.

در اغلب ازدواج ها که بطرف جدایی پیش می رود اینطور بنظر می رسد که همسرها میل ندارند همبستگی خود را نسبت به دیگری رها کنند. اقدام به این عمل برای طرفین دردناک خواهد بود زیرا اگر حتی بخواهند احساس خود را کنترل کنند قادر نخواهند بود. اما غالباً به سبب غرور شخصی - خشم و آزار یاب به سبب حرکت آنی برای دفاع از خود طرفین سعی می کند وابستگی خود را در پشت نقاب بی تفاوتی پنهان کنند. علاقه پنهانی مفروض گاهی با اظهار «من تورادوست دارم» یا «به تو احتیاج دارم» منجر می گردد که خود زمینه را برای آشتی موقت همراه با لجباجت مساعد می سازد. یا اینکه ممکن است نزاعی پیش آید که در اثر رد شدن خواسته های یک طرف خشم او افزون شود و با نسبت دادن اتهامات تلخ و ناروا بخواهد بطرف خود بفهماند رو به خود را تغییر دهد و از درآشتی درآید.

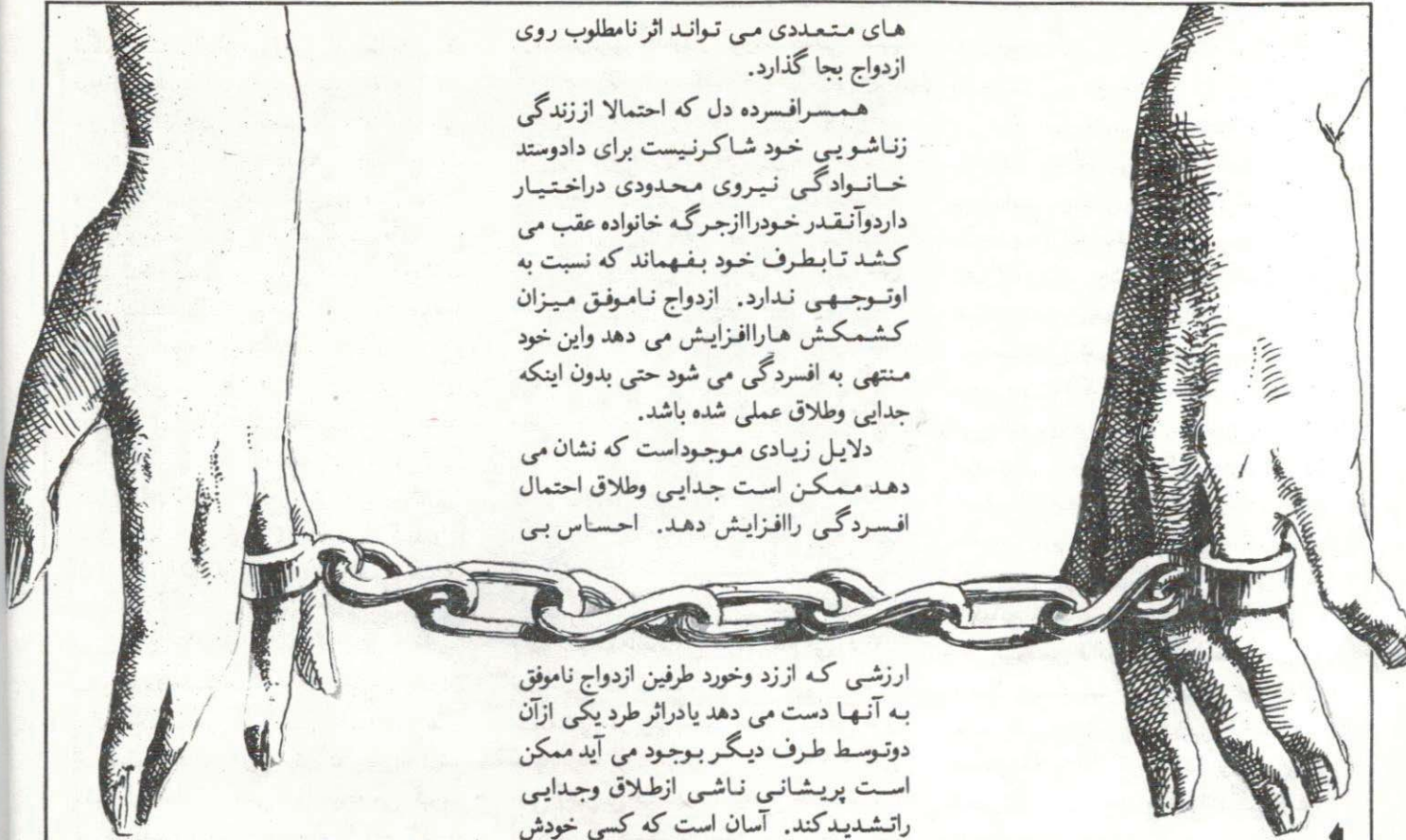
جدایی و طلاق برای اغلب اشخاص ناراحتی های عاطفی و اجتماعی همراه خواهد داشت. شخص فکر خود را متوجه همسر از دست داده می کند و از امکان دست نیافتن به اوفوق العاده احساس ناراحتی می

کند و غمگینی که زاینده تنهایی است بر او مستولی می شود.

نگرانی و ترس از آینده، اختلافاتی در خواب بوجود می آورد که خود منجر به پریشانی زیادتری می گردد، شخص برای ساعتها در تخت خواب خود بیدار می ماند و هرگاه خواب بچشم او بیاید با کابوس همراه خواهد بود و بعضی افراد سعی می کنند بی خوابی خود را با قرصهای خواب آور یا مشروبات الکلی رفع نمایند و برخی ترجیح می دهند با بی خوابی مبارزه کنند و خود را تسلیم قرصهای خواب آور نکنند چون قرصهای خواب آور در مورد بعضی افراد بی اثر می باشد. کم اشتها - حساسیت زیاد و آسیب پذیری در برابر خشم آنی و گریه ناگهانی از مظاهر دیگر هیجان می باشند.

شخص قادر نیست فکر خود را روی مطالبی که بستگی به جدایی و طلاق ندارد متمرکز سازد. کارهایی که انجام آنها مستلزم فکر و وقت کردن باشد به خوبی انجام نمی گیرند. احتیاط در رانندگی کمتر می شود و بعضی برای اولین مرتبه در زندگانی خود دچار تصادف مختصر رانندگی می شوند.

افکار مربوط به ناکامی زناشویی پیوسته مغز همسرها را پر می کند. از میان زوجهای از هم جدا شده افرادی هستند که از فراق همسر از دست رفته خود غصه می خورند گویانکه اقرار دارند که نباید چنین افکاری را در مغز خود بهروراندند. بسیاری میل دارند از اوضاع و احوال شوهر یا زن از دست رفته خود اطلاع پیدا کنند و وقتی می فهمند که همسر قبلی آنها در صدد پیدا کردن شریک دیگری برای زندگانی خود می باشد بینهایت دلتنگ و غمزه می شوند و اگر بر حسب تصادف، همسر قبلی خود را ملاقات کنند دچار هیجان و عرشه می شوند. هرگاه همسر قبلی را در یک میهمانی یا محل عمومی ملاقات کنند گرچه فاصله آنها زیاد باشد نظر خود را بیشتر اوقات متوجه اومی سازد و چیز دیگری نظر او را جلب نمی کند. همسرها بدون اینکه متوجه باشند، در طلب چنان اطمینانی هستند که همسر از دست رفته هنوز برای هر کدام از طرفین قابل حصول می باشد. برای مردی که از زن خود جدا شده غیر عادی نیست که زمانی که برای گردش با ماشین یا پیاده از خانه خارج شده در حوالی



های متعددی می تواند اثر نامطلوب روی ازدواج بجا گذارد.

همسرافسوده دل که احتمالاً از زندگی زناشویی خود شاکر نیست برای دادوستد خانوادگی نیروی محدودی در اختیار دارد و آنقدر خود را از جرگه خانواده عقب می کشد تا بطرف خود بفهماند که نسبت به او توجهی ندارد. ازدواج ناموفق میزان کشمکش ها را افزایش می دهد و این خود منتهی به افسردگی می شود حتی بدون اینکه جدایی و طلاق عملی شده باشد.

دلایل زیادی موجود است که نشان می دهد ممکن است جدایی و طلاق احتمال افسردگی را افزایش دهد. احساس بی

ارزشی که از زد و خورد طرفین ازدواج ناموفق به آنها دست می دهد یاد را اثر طرد یکی از آن دو توسط طرف دیگر بوجود می آید ممکن است پریشانی ناشی از طلاق و جدایی را تشدید کند. آسان است که کسی خودش رابه سبب کناره گیری از همسر خود و ترک او مورد سرزنش قرار دهد و اینطور استدلال کند که علت کناره گیری نتیجه پذیران شدن وعدم سازش با اوضاع و احوال بوده.

از دست دادن بعضی از موقعیتها به افسردگی کمک می کند. ممکن است در اثر جدایی و طلاق شخص موقعیت اجتماعی خود را از دست بدهد. یافردی بعلمت کمتر در تماس بودن با رفقا و دوستان خود احساس کند پست و مردود شده است. در اثر زیان های مالی شخص ممکن است دسترنج سالیان کوشش و کار خود را مثل درآمد، ملک، پس انداز، و شاید خانه و ماشین و اثاث خود را از دست بدهد. والدینی که فرزند تحت تکفل خود را طرد می کنند، ممکن است دیگر دسترسی به او پیدا نکنند.

این فکر که فرد جدا شده از خانواده ممکن است از پشتیبانی و حمایت اجتماع برخوردار نشود افسردگی را بشکل خطرناکی افزایش خواهد داد. بسیاری از میان افراد طلاق گرفته، بفر خود کشی می افتند. و برخی دیگر به منظور فریب دادن خود و فرار از وضع فلاکت با رفتاری برای خود کشی بعدی نقشه طرح می کنند و بخود می گویند «اگر اوضاع بهتر نشود همیشه امکان باز کردن

خانه و محل سکونت همسر قدیمی خود سردر نیارود. همچنین زنی که از شوهر خود جدا شده ممکن است به شوهر قبلی خود تلفن کند و بگوید که جای شوهر خالی است و وقتی صدای شوهر را بشنود وانمود کند علت تلفن کردن او نگرانی از بچه ها بوده یا احوال ناراضی خود را از دیر رسیدن چک کمک هزینه ماهیانه بهانه برای این تلفن کردن جلوه دهد.

جدایی غالباً دوره هایی از غمگینی عمیق و حسرت نسبت به از دست دادن امکانات خوش گذشته را ببار می آورد. با وجودی که نمی توانیم مطمئن باشیم که کدام از این دو عامل یعنی جدایی یا افسردگی بوجود آورنده این وضع است معهذاتبت شده است که افسردگی بین افرادی که از سال های اخیر از هم جدا شده اند بمراتب زیادتر از حالت افسردگی اشخاصی است که در شرایط مشابه سنی اجتماعی و اقتصادی هنوز به زندگانی زناشویی خود ادامه می دهند. آنچه روشن نیست این است که آیا جدایی بوجود آورنده افسردگی است یا اینکه علائم اولیه افسردگی زمینه را برای طلاق و جدایی فراهم می سازد. بررسی هایی که در مورد ازدواج های ناموفق بعمل آمده نشان می دهد که افسردگی از راه

شیرگاز و خود کشی فراهم است» در بعضی ها که یاس - عصبانیت و نومیدی به درجه اعلائی خود رسیده، این نقشه شوم خود را عملی می سازند.

تنهایی گاهی در وجود دو طرف نیروی محرکه ای ایجاد می کند که رفتار و کردار آنها را کاملاً دگرگون می سازد. مردان و زنانی که در دوره زندگی زناشویی خود محافظه کار بوده اند ناگهان در اثر فشار تنهایی به «کاباره ها» و «بارها» روی می آورند. بعضی اوقات بخود می آیند و می گویند این مراکز جای مانیست و با وجود آن چندین مرتبه ممکن است به بعضی از کارها اعم از اینکه مناسب یا غیر مناسب حال آنها باشد دست بزنند تا بدینوسیله از این تنهایی کمی فراغت حاصل کنند. دوستان وفاداری وجود دارند که می توانند ناراحتی شخص تنها را تحمل کنند این قبیل دوستان بعضی اوقات می توانند به آنها کمک کنند. خانه و کاشانه این دوستان می تواند برای افرادی که پایه های زناشویی آنها در حال تزلزل و فروریختن است پناهگاهی باشد.

جدایی و طلاق می که نه بعلمت ناموزونی طولانی و دردناک زناشویی بوجود آمده، بلکه از زندگی زناشویی نسبتاً رضایت بخشی بوقوع

پیوسته باشد برای همسری که انتظار اینچنین جدایی را نداشته کمرشکن و ناراحت کننده خواهد بود زن و شوهری که بدون آمادگی قبلی از یکدیگر جدا شوند غالباً فوری درک نمی کنند چه واقعه ای در زندگی آنها اتفاق افتاده مثل آن می ماند که یکروز روشن آفتابی از خانه خارج شده باشند و ناگهان روز بعد همه چیز را فروریخته و دگرگون می یابند. آن زن و شوهری که ماه پیش رنج و درد فروریختن بنای متزلزل زندگی زناشویی خود را حس کرده اند، آگاهی دارند که علل فروریختن چه بوده که منجر به جدایی و طلاق شده.

اولین مرتبه که خود را تنها می یابند موقعیت خود را نمی توانند دریابند ولی هیچ چیز مانند ازدست دادن فردی بدون اطلاع قبلی نمی تواند اینقدر تکانه دهنده باشد. مدتها لازم است تا همسری که ازدواج او بدون اطلاع قبلی منجر به طلاق شده بخود بقبولاند که واقعا همه چیز تمام شده.

اثرات ناشی از جدا شدن افرادی که می گویند ماجدایی را انتخاب کردیم، و متقابلاً همسری که می گوید از «خانه رانده شدم» می تواند متفاوت باشد ولی اختلاف واقعی را باید در کیفیت پریشانی حاصله جستجو کرد. در میزبان شدت آن در بیشتر طلاقها و جدایی ها تعیین اینکه کدام یک از همسرها بیشتر از دیگری مسئول بوجود آمدن این جدایی بوده امری است که غالباً با ضابطه نمی توان تعیین کرد. حقیقت این است که ادامه زندگی زناشویی تقریباً برای هر دو طرف غیر قابل تحمل شده. بهر صورت یکی از دو طرف زودتر از طرف دوم بالاخره تصمیم به این جدایی می گیرد. در مقدمه جدا شدن زن و شوهر متناوباً زمزمه جدایی را سر می دهند. اول شوهر با خشم خانه را ترک می کند و متعاقب آن زن اصرار می ورزد که مرد بخانه برنگردد. گاهی یکی از دو همسر که حاضر نبوده مسئولیت طلاق را بعهده بگیرد آنقدر با خسونت رفتار کرده که برای همسر دوم تحمل آن غیر ممکن بوده. در پاره ای اوقات زن و شوهری که اصرار داشته اند از هم جدا شوند مدتی بعد یکی از آنها تغییر عقیده داده و از درآشتی درآمده، حال اینکه طرف مقابل این پیشنهاد آشتی را رد کرده است. در این شرایط تعیین هویت یکی از دو طرف، اولی بعنوان ترک کننده و دیگری رانده شده

بفرنجی و پیچیدگی مسأله را خیلی ساده تر کرده است.

معهداً در پاره ای موارد یکی از همسرها نسبت به طلاق و جدایی همیشه راسخ و پابرجا مانده در حالیکه طرف دیگر یا از روی بی میلی با آن موافقت کرده و یا با آن مخالفت ورزیده است.

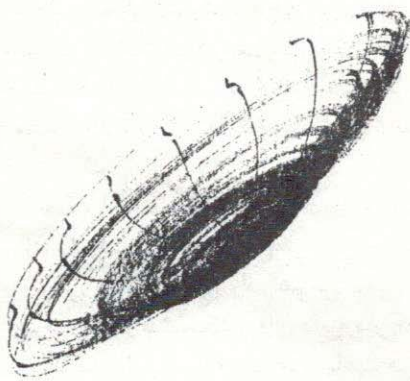
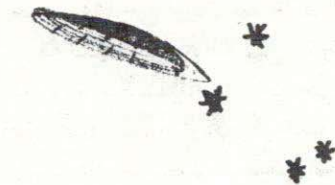
در هر صورت خواه همسر در امر طلاق شخصاً مصمم بوده یا از طرف مقابل به او تحمیل شده، موضوعی است که در امر ناراحتی های بعدی ناشی از جدایی چندان تفاوتی نداشته است چون پریشانی احوال در هر دو نفر آنها بروز کرده است. هر دو نفر با مسایلی نظیر تغییر در وضع اجتماعی قدیم آنها و یافتن هویت اجتماعی جدید مواجه خواهند بود.

بجای لطف و مرحمت که متعهد به انجام آن در زمان زناشویی بوده اند موجبات زیان و صدمه طرف را با این عمل خود فراهم می کنند. اینان بیشتر تقصیر را متوجه دیگران می دانند و فقط خود را تا اندازه ای مقصر بحساب می آورند و حتی ممکن است مسئولیت های عاطفی را که بعهده داشته اند به بهانه ظرفیت قبول آنرا نداشته اند، رد کنند.

افرادی که جدایی و طلاق به آنها تحمل شده، گیرنده جواب دردناک رد بخواسته های خود بوده اند ناراحتی اینان ناشی از این است که فرصت کافی برای تلافی کردن نداشته اند. اینها نه تنها ازدست زن یا مردیکه بدست آنها جدایی صورت گرفته ناراحت می باشند بلکه همین احساس رانست به جامعه بشری در دل خود دارند.

ممکن است اتهامات همسر خود را مبنی بر اینکه جذاب نیستند یا سرد مزاج و کودن هستند و از نظر جنسی کمبود دارند یا اینکه بگویند آنها کاملاً بی ارزش هستند، قبول کنند. علاوه بر این جدایی و طلاق ممکن است احساسات آنها را بقدری جریحه دار کرده باشد که برای مدتی بی میل باشند بخود اعتماد کنند که بادیگری روابطی برقرار نمایند. روابط زن و شوهر بعد از جدایی از رعایت حال یکدیگر تا مرحله نزاع علنی ممکن است، کشیده شود.

جدایی یک حادثه ای است که در روابط همسرها حادث می شود و نه پایان نقطه قطع روابط آنها، مطمئناً آن یک حادثه ای است مهم و بحرانی که در روابط بین همسرها تغییرات اساسی بوجود می آورد ولی نقطه



پایان نیست. ماه ها بعد از آنکه یکی از همسرها به هتل، آپارتمان، خانه دوست یا به خانه والدین خود برمی گردد احتمالاً همسر دیگر مهمترین شخص در عالم خیال او باقی خواند ماند حتی اگر آن همسر مدتها از نظر هادور شده باشد که اغلب اتفاق می افتد معهداً در ذهن طرف خود بطور روشن و مشخصی خود نمائی خواهد کرد و با التماس و صدای بلند (در عالم خیال) او را مخاطب قرار داده و بسبب از هم پاشیدگی زندگی مشترک آنها او را شهادت می طلبد.

در روابط بعد از ازدواج یک زن و شوهری که از هم جدا شده اند بترتیب خشم در مقابل علاقه، نزاع در برابر پشیمانی، کشمکش شدید در مقابل بهم پیوستن پر شور بچشم می خورد بطوری که هر حالت در مقابل حالت مخالف خود قرار می گیرد و هر کدام از این حالات حکم فرما باشد حالت مخالف بطور

خلاصه ای از شرح حال آقای هری شیفر

قاضی دادگاه عالی لوس آنجلس

طلاق و دستمزد آنان درج می نموده است، که این کتاب اینک در استان کالیفرنیا مورد استفاده و استناد وکلای دادگستری قرار دارد.

پیشینه قضائی: مدت ۱۱ سال در دادگاه شهرداری شهرستان لوس آنجلس بعنوان قاضی انجام وظیفه می نموده است بطور تقریب ۶ سال هم در دادگاه عالی لوس آنجلس بکار اشتغال داشته است.

وضعیت زناشویی: مدت ۴۳ سال بابانو «روت» همسرشان زندگی زناشویی خوش و موفقیت آمیزی داشته اند که حاصل آن سه فرزند و چهارنواده می باشد.

مدارج تحصیلی: دارای درجه لیسانس ازدانشگاه ییل. دارای درجه لیسانس ازدانشکده حقوق کلمبیا - نیویورک.

تدریس: تدریس مباحث مختلق قانونی در دانشکده حقوق دانشگاه په پرداین، همچنین عهده دار ریاست مدرسه حقوق دانشگاه اورنج بوده که این مدرسه بوسیله خودایشان ودوشخصیت دیگر به دانشگاه په پرداین اهداء گردیده وتبدیل به مدرسه حقوق دانشگاه په پرداین گردیده است.

مقالات: مدت ۵ سال مقالاتی در کتاب «سمپوزیوم قوانین خانواده» درباره اقدامات وکلای دادگستری مربوط به انجام تشریفات

محسوس فشار می آورد تا خود را ظاهر کند. نه تنها این رابطه بین زن وشوهرهای جدا شده حکمفرماست بلکه حتی عاشقان وفادار گاه بیگانه از یکدیگر خسته می شوند و رقیب های سرسخت هم دیگر راتحسین می کنند ولی در سایر موارد درحالی که یک احساس به اوج خود رسیده است احساس مخالف تازه شروع به ظاهر شدن می کند. در روابط زوج های جدا شده احساسات مثبت شدید با احساسات مشابه منفی سرسختانه وهمزمان باهم ظاهر می شوند. هنگامی که مسایل وحوادث تازه ای حاکم بر زندگی زن وشوهرها می شوند مسایل قدیمی بدست فراموشی سپرده می شوند و چشمگیری واهمیت خود را از دست می دهند. مناسبات آنها یادوستانه تر و یا شاید کمتری شود.

تصفیه اختلافات قبلی درجه تهدید حاکم بر زن وشوهر را کم می کند وموجبات محبت ودوستی بیشتر آنها رافراهم می نماید. از طرف دیگر کشمکش های دامنه دار که مربوط به پول یا فرزند می شود باعث می شود تا طاقی که دوستانه صورت گرفته به دشمنی مجدد تبدیل گردد. بطور کلی باشروع زندگانی وهویت تازه توسط یکی از همسرهای قدیمی اهمیت همسردیگر رو به نقصان خواهد گذارد.

بعضی از زوج هایی که از هم جدا شده اند بعلت بیم شدید یا خشم از همسر قبلی خود یا بخاطر تقصیر آنها هیچگاه میل ندارند همسر مقابل خود را ببینند. بعضی بی میل هستند در حال حاضر به سراغ آنها بروند ولی امیدوارند که بمرور زمان احساس بهتری نسبت به آنها پیدا کنند برخی دیگر در روابط خود سعی می کنند خشم، طعنه وترس را کنار بگذارند گویانکه این قبیل احساس ها هیچوقت ناپدید نمی شوند ولی بدین کیفیت مزاحمت کمتری برای خود فراهم می کنند. در این شرایط است که زن وشوهرهای طلاق گرفته می توانند با آرامش و راحتی زیادتری باهم سلوک کنند.

زوج هایی که مدتهاست از یکدیگر جدا شده اند می توانند مجددا باهمان کسی که زمانی قسمت مهمی از زندگی آنها راتشکیل می داده واز بسیاری از جهات هنوز امکان دارد چنین باشد مناسبات خود را حفظ کنند.

متن ترجمه سخنرانی آقای هری شیفر

قاضی دادگاه عالی لوس آنجلس

ممکن است راجع به داوری سؤال بفرمایید - بمن گفته شده است که در موارد تشریفات طلاق موضوع رایه داوری ارجاع نمایید (منظور قبل از رژیم فعلی حاکم برکشور ایران است).

آیا داوری در موارد طلاق در کالیفرنیا تجویز می گردد؟ جواب مثبت است مشروط به آنکه طرفین دعوی و وکلای آنان در این امر تراضی نمایند. دادگاه نمی تواند طرفین را مجبور به قبول داوری نماید فقط می تواند آنها پیشنهاد کند.

به عقیده من کلیه موارد اختلافات خانوادگی بایستی ارجاع به داوری گردد زیرا باین ترتیب در هزینه دادرسی - حق الوکاله وسایر هزینه هاصرفه جویی خواهد شد.

در هر حال طبق قانون فعلی داوری نیاز به خواسته دادگاه وطرفین دعوی و وکلای آنان با طرفین دعوی بحث خواهد کرد و پیشنهاد و تکلیفی که قاضی می نماید الزام آور نیست.

از تاریخی که اینجانب بازنشسته شده ام موارد عدیده را بعنوان داور مورد رسیدگی قرار داده ام و بطور کلی اشخاص باتوجه به طول مدت دادرسی ومعطی در دادگاه هاترجیح می دهند که افراد را بعنوان داور انتخاب و رسیدگی به موارد اختلاف خود را با آنان ارجاع نمایند.

حسب دعوت آقای مسعود هارونیان امشب راجع به بعضی از اصول وتشریفات رشته «روابط خانوادگی» که گاهی هم آنها قوانین خانواده می نامند ایراد سخن خواهم کرد.

من در خلال ۱۵ سال پرونده های متعدد ومهمی را مورد رسیدگی وقضاوت قرار داده ام از جمله پرونده شیخ الفاسی معروف است که خانه مشارالیه در بلوار سان ست واقع ودچار حریق گردید.

مخصوصا محاکمه ای در مورد دویرانی را بخاطر می آورم که مدت ۸۰ روز بطول انجامید و در باره اینکه استان کالیفرنیا صالح در رسیدگی مواردی از قبیل حضانت طفل - دعاوی مربوط به مالکیت اشتراکی واختصاصی - ورشکستگی وغیره هست یا خیر دور میزد. قاضی دیگر مدت ۸۰ روز مورد راستماع نموده بود ومریض گردید و اینجانب در خلال سه روز آنها مختومه نمودم ولی به مدت یکسال به تناوب با آن درگیر بوده ام در حالیکه بحث بسیار حساس حضانت طفل وتقسیم اموال هنوز مورد گفتگو قرار داشت.

بالاخره وخوشبختانه موضوع در دادگاه من فیصله یافت وهریک از وکلای طرفین ۱۲۵۰۰۰ دلار بایشتر حق الوکاله دریافت داشتند.

شرح حال مختصر آقای ناتان گلدبرگ

بیشتر بودن فقط مهریه را دریافت می نمود و در صورتی که میزان مهریه از نصف سهم یک وارث ذکر کمتر بود بر مبلغ مهریه آن مقدار افزوده می گردید که با سهم یک وارث دختر مساوی گردد.

در استان کالیفرنیا قانون «مالکیت اشتراکی» وجود دارد. در نتیجه درآمد حاصله در دوران ازدواج اعم از اینکه از طرف زوج تحصیل یا از طرف زوج فراهم گردیده باشد دارای مشترک طرفین تلقی و بطور مساوی متعلق حق زوجین هنگام وقوع طلاق خواهد بود. قوانین مالکیت اشتراکی شامل اموالی که بصورت هبه (بخشش) و یا بالوراثه تحصیل شده باشد، نخواهد گردید. برای مثال اگر در دوران ازدواج هر یک از زوج و یا از وجه از پدر و یا مادر خود هدیه ای اخذ نمایند و این هدیه را بنام خود ثبت و اموال مشترک مجزا نمایند این مال و هدیه جزء اموال اختصاصی محسوب و هنگام طلاق مشمول تقسیم نخواهد گردید. ولی در صورتی که هدیه و یا بخشش با مال و یا اموال مشترک توأم گردد از صورت مالکیت اختصاصی خارج و تبدیل به اموال مشترک خواهد شد.

بهمین کیفیت اگر یک طرف در دوران ازدواج بالوراثه مالک مالی گردد مادام که این مال جداگانه حفظ و ثبت گردیده باشد جزء اموال اختصاصی و ذینفع تلقی خواهد گردید مثل حفظ پول در حساب بانکی جداگانه و به این ترتیب خاصیت مالکیت اختصاصی خود را از دست نخواهد داد.

بعنوان یک مقررات کلی بایستی اضافه گردد، هرگونه مالی که از طرف هر یک از زوجین قبل از ازدواج تحصیل گردیده باشد مال جداگانه و مجزا محسوب خواهد شد. من باب مثال یکی از زوجین قبل از ازدواج خانه ای و یا پیشه تجارته را ابتیاع نموده این خانه پیشه و یا تجارت مال اختصاصی او محسوب می گردد.

ولی این مورد ممکن است نکته مبهم و پیچیده ای را ایجاد نماید. در بسیاری از موارد تجارت و کسبی که قبل از ازدواج ایجاد گردیده محتمل است در دوران ازدواج از لحاظ قیمت ترقی چشمگیری بنماید.

در این صورت ممکن است قسمتی از آن جزء اموال اختصاصی و قسمتی جزء اموال مشترک تلقی گردد.

۳- طرز تقسیم اموال - در اکثر موارد هر یک از متقاضیان طلاق با مراجعه به وکیل دادگستری تقاضای تقسیم اموال را می نمایند و بطور معمول امکان آن است که قرارداد منصفانه ای که متضمن تامین مصالح طرفین

لایولا بعنوان شاگرد ممتاز و بارتبه نخست در کلاس ۳۲۷ نفری فارغ التحصیل شده اند.

- لیسانس خود را از کالج نیویورک اخذ نموده اند.

- در موسسه حقوقی شریک و سهامدار هستند.

- در دعاوی مدنی و طلاق دارای تجربه و تخصص می باشند.

- در سال ۱۹۷۴ ازدانشکده حقوق

ترجمه اختصاری

از سخنرانی ناتان گلدبرگ

وکیل دادگستری

خانوادگی» معمول و در صورت عدم موفقیت دست به اقدام قانونی بزنند.

موکداً توصیه می گردد، هرآینه زوجین مصمم به طلاق شدند برای حفظ منافع خود و فرزندانشان بهتر است کوشش نمایند که این امر در یک محیط دوستانه توأم بایک روح همکاری و اشتراک مساعی بین خودشان حل و فصل گردد، زیرا هزینه های طلاق در این کشور فوق العاده کم شکن و طاقت فرسا است. بطور کلی برای آنکه خواسته ها و مسایل بصورت منصفانه ای بین طرفین حل گردد هر یک از زوجین نیاز به انتخاب وکیل دادگستری اختصاصی خود را دارند.

۲- حقوق مالکیت - در کشورهای ایران اقلیت یهود بنابه قواعد و مقررات احوال شخصیه خود، زن در صورت وقوع طلاق و یا فوت شوهر مستحق مطالبه و وصول مهریه مافی القبایله نکاحیه خود بوده است. مخصوصاً با گذشت زمان (مثلاً بعد از ۲۵ تا ۳۰ سال) بعلت توأم با عدم تمکن مالی طرفین در زمان تنظیم قرارداد ازدواج، میزان مهریه هنگام وقوع طلاق و یا فوت زوج باتوجه به افزایش قیمت ها بصورت مبلغ ناچیزی درمی آمد. ولی با اصلاح قواعد و مقررات ارث کلیمیان ایران سهم الارث زن یهودیه از ماترک شوهر برابر سهم یک دختر یعنی نصف سهم یک وارث ذکر گردید. و هرگاه میزان مهریه مافی القبایله از سهم فوق الذکر

مقایسه بین اصول قانونی طلاق در کشورهای ایران و استان کالیفرنیا:

۱- در کشورهای ایران طبق قوانین سنتی اسلامی حق مطلقه نمودن زوجه منحصرأ بازوج بود. باین ترتیب که با اعلام سه بار عبارت «ترا مطلقه نمودم» در حضور شهود این امر انجام می پذیرفت. ولی پس از تصویب قانون حمایت خانواده در دوره سلطنت شاه، صدور حکم طلاق ملازمه با اخذ «گواهی عدم امکان سازش» از دادگاه خانواده داشت.

در قانون اشاره شده موادی تصریح شده بود که در صورت تحقق و اثبات، هر یک از زوجین می توانسته اند برای طلاق دادخواهی نمایند. عبارت دیگر متقاضی طلاق، هنگامی موفق به اخذ «گواهی عدم امکان سازش» می گردید که سوء رفتار و یا تخلف طرف دیگر را در دادگاه ثابت می نمود. در استان کالیفرنیا هر یک از زوجین می توانند از دادگاه تقاضای طلاق نمایند.

در هر حال نظریه اینکه طلاق موجب گسستن ارکان خانواده می گردد، بایستی حتی الامکان از آن احتراز بلکه بعنوان آخرین درمان دردم نظر قرار گرفته شود.

اصلاح طریق این است که بدو زوجین کوشش لازم را در اصلاح ذات البین از طریق مراجعه به «مشاورین خانواده» و یا «متخصصین حل و درمان مشکلات و مسایل



میتران

قول کمک داد

فرانسوا میتران رئیس جمهور فرانسه تعهد کرد که سعی و کوشش فراوان خواهد کرد تا کشور اسرائیل بتواند موقعیت خود را از لحاظ صادرات میوه و تره بارتازه در بازار اروپای غربی حفظ کند. دلیل این تعهد بر این است که بتازگی این دو کشوری توانستند محصولات کشاورزی مشابهی را که اسرائیل به کشورهای اروپای غربی صادر می کرده به این بازار عرضه کنند.

(نقل از شماره ۴۱ ژورنال جوانان ولی)

دکتر مسعود کامروا

متخصص بیماریهای زنان و زایمان

وفوق تخصص دزننازائی و اختلالات غدد جنسی

فارع التحصیل از دانشگاه هاروارد

Cedars-Sinai Medical Tower
8635 W. 3rd. St.
Suite 655 W.
Los Angeles, CA 90048

تلفن ۳۰۸۲-۸۲۰ (۲۱۳)
۲۴ ساعته ۴۲۳۸-۶۵۲ (۲۱۳)

دکتر شیرزاد ابراهیمیان

Shirzad A. Abrams M.D.

جراح و متخصص بیماریهای استخوان
مفاصل، ستون فقرات و شکستگیها

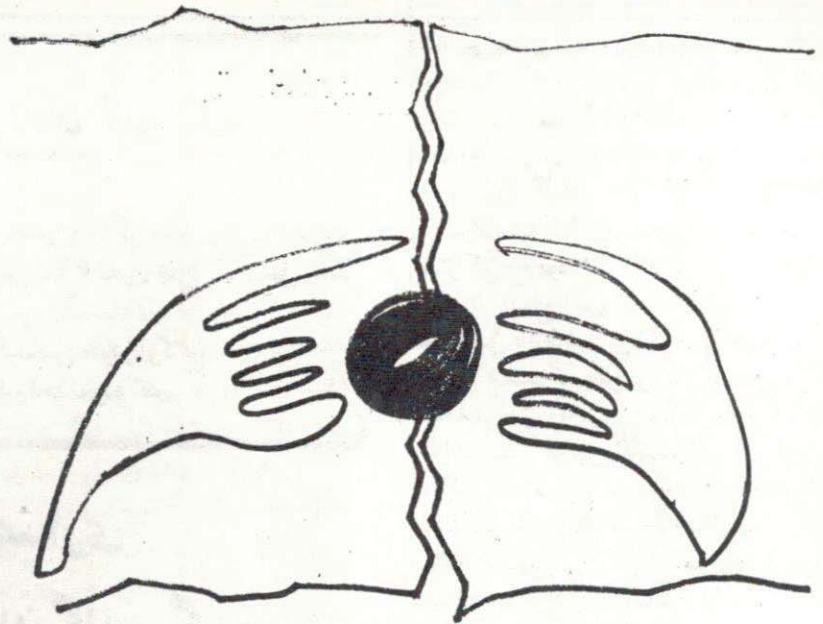
DIPLMATE AMERICAN BOARD OF
ORTHOPEDIC SURGERY

501-5326

تلفن ۵۳۲۶-۵۰۱

16311 Ventura Blvd. Suite 520
Encino, Ca. 91436

در منطقه انسنو



بدین معنی که زوج و یازوجه باتوجه به مورد ممکن است محکوم به تامین معاش طرف دیگر گردد.

در مورد تامین معاش (نفقه) دادگاه توجه خود را به دونه که میدول می دارد. نیاز طرفی که تقاضای تامین معاش نموده و امکان طرف مقابل در پرداخت آن، مبلغ نفقه بر حسب مورد متفاوت خواهد بود. دادگاه با در نظر گرفتن نحوه زندگانی طرفین و باتوجه به این که آیا زوج در خارج از خانه بکار اشتغال داشته است و یا این که بعد از وقوع طلاق امکان بدست آوردن شغلی برای او میسر است و یا این که فرزندان صغیر آنان در خانه مانده و نیاز به پرستاری دارند و در نتیجه زوج باید سالها از اشتغال به کار منع گردد، تصمیم مقتضی اتخاذ می نماید.

لازم به تذکر است که حقوق ناشی از تامین معیشت رابطه ای به اینکه کدام یک از طرفین موجب گسستن پیوند زناشویی گردیده، ندارد. نسبت بطول مدت تامین معیشت طرف مقابل مقررات خاصی وجود ندارد. قبلاً مقرراتی وجود داشت که تامین معیشت همسر تقریباً تا معادل نصف طول مدت حیات زناشویی ادامه می یافت ولی این امر عملاً دیگر صادق نیست.

در مورد حضانت اطفال اصل بر این است که پدر و مادر هر دو متعهد تامین معاش فرزندان خود هستند. میزان تامین معیشت اطفال بستگی به وضعیت مالی خانواده دارد ممکن است از ماهیانه صد دلار شروع و تا چندین هزار دلار در ماه هم بالغ گردد. این امر به طفل، خانواده او، نحوه زندگانی خانواده قبل از طلاق، درآمد خانواده و یا ترتیب و نیاز خاص در نگهداری طفل بستگی دارد.

در تقسیم اموال مشترک بوده باشد بوسیله آنان تنظیم گردد.

۴- اطفال - در استان کالیفرنیا حضانت اطفال بطریق و ترتیب مختلفه میسر است. حضانت مشترک که عبارت از حق قانونی هر یک از زوجین در مورد نگهداری اطفال است و بدین معنی که اخذ تصمیم نسبت به زندگانی، تحصیل، بهداشت و تعالیم مذهبی طفل، هر یک از زوج و یازوجه بعد از وقوع طلاق دارای حقوق مساوی هستند.

نکته اساسی در مورد اطفال این است که بعد از طلاق در چه محلی زندگانی خواهند نمود. نسبت به محل زندگانی طفل قانون و مقررات خاصی در کالیفرنیا وجود ندارد و این امر باتوجه به مورد از اختیارات قاضی است که اتخاذ تصمیم نماید. در صورت عدم توافق بین زوجین در انتخاب محل زندگانی طفل، قاضی دادگاه با ارجاع زوجین به مشاورین مخصوص خانواده کوشش در تعیین ترتیب مقتضی خواهد نمود. با وجود این هر آینه طرفین با زهم به توافق نرسیدند قاضی شخصاً رسیدگی و تعیین تکلیف خواهد نمود.

هر یک از زوجین برای تامین حداکثر حقوق اطفال حق دارند به شهادت شهود، اظهار نظر روانشناسان، روانکاوان و افراد خبره و صاحب نظر استناد نموده و نظرات آنان را مورد استفاده قرار دهند و نسبت به مورد خاص دادگاه تصمیم مقتضی را به نفع طفل اتخاذ خواهد نمود.

۵- تامین معاش همسر و طفل - در استان کالیفرنیا نسبت به طول مدت تامین معاش، قاعده مشخصی وجود ندارد. این امر ممکن است نسبت به هر دو طرف صادق بوده باشد.

جمعیت اسرائیل در سال ۱۹۸۳

بنابه گزارش جدید اداره آمار و سرشماری اسرائیل، جمعیت این کشور به مرز ۴/۱ میلیون نفر رسیده است. جمعیت یهودی اسرائیل ۱/۷ درصد و جمعیت عرب ۲/۸ درصد افزایش داشته است.

در حدود ۸۳ درصد جمعیت کل کشور اسرائیل یهودی و ۱۷٪ باقیمانده آن عرب هستند که این ۱۷ درصد تعداد ۱/۳ میلیون عرب ساکن نواحی غربی و نوار غزه را شامل نمی شود. طبق این گزارش میزان تولد یهودیان افزایش و میزان تولد اعراب در سال ۱۹۸۳ کاهش داشته است.

(نقل از ژورنال جوانان ولی - شماره ۴۰)

آشنایی بایک سازمان مبتکر



«زندگی با ارزش تر از آن است که بیهوده تلف شود» سخنی است از ربای «نوا و اینبرگ» (عکس فوق)، مؤسس و رئیس مؤسسه «ايش هتورا».

هشت سال پیش راب نوا و اینبرگ که نگران ازدواج های مختلف و اسیمیلسیون در میان جوامع یهودی امریکا و کانادا بود مؤسسه ایش هتورا را تأسیس کرد. نامبرده باتوجه به ارزش های فرهنگی، اجتماعی، معنوی و تاریخی موجود در تورات به این نتیجه رسید که برای جلوگیری از ازدواج های مختلط باید ارزش های عالی یهودیت رابه جوانان تفهیم کرد. زیرا طبق مطالعه ای که از طرف جامعه شناسان دانشگاه هاروارد انجام گرفته، اگر ازدواج های مختلط به همین سرعت فعلی در میان یهودیان امریکا ادامه پیدا کنند در سال ۲۰۷۰ بیشتر از ۱۰۰٫۰۰۰ یهودی در امریکا باقی نخواهد ماند.

به گفته راب و اینبرگ تنها تعلیم و تربیت صحیح می تواند این وسیله را در اختیار جوانان قوم ماقرار دهد که بتوانند در مورد وابستگی خود به مذهب یهود تصمیم آگاهانه اتخاذ کنند؛ به اعتقاد وی تورات با ارزش ترین منبع و راهنمای زندگی اجتماعی و فردیست و آشنایی با فرامین آن ماراد تمام موارد زندگی از جمله ازدواج، تعلیم و تربیت و استفاده از لذایذ واقعی زندگی یاری خواهد داد.

بسیاری از بدبختی هایی که جامعه امروزی با آن دست به گریبان است از جمله طلاق های متعدد، اعتیاد به مواد مخدر در نزد جوانان و غیره نتیجه مستقیم عدم آگاهی افراد از وظایف خود در مقابل افراد دیگر، خانواده و اجتماع می باشد و تورات می تواند جوابگوی سؤالات مادر این موارد باشد. به عقیده راب و اینبرگ ماملت خود را در اثر بی تفاوتی و عدم آگاهی از دست می دهیم زیرا افرادی که

دراثر تعلیم تورات به اصول یک زندگی واقعی و خوشبخت واقف می شوند هرگز به آن پشت نخواهند کرد.

سازمان ایش هتورا که یک سازمان غیرانتفاعی است فعالیت های خود را اخیراً در لوس آنجلس آغاز کرده و یک راب جوان به نام رابناخوم بریورمن رابه عنوان معلم در استخدام دارد. راب بریورمن که تعلیم تورا را یک فرض مذهبی و یک میتصوای مهم می داند در هفته پنج روز تمام وقت، مجاناً، و بدون چشم داشت به کلیه افراد علاقه مند درس تورا می دهد و برای انجام این کار اگر لازم باشد حتی به منازل و دفاتر کار آنها می رود. علاقه مندان می توانند برای دریافت اطلاعات بیشتر باراب بریورمن با شماره تلفن ۵۰۲۰-۲۷۴ تماس حاصل نمایند.

از: سام کرمانیان

دکتر بیژن بروخیم



جراح و متخصص بیماریهای زنان، زایمان و نازائی

Diplomate American Board of
Obstetrics and Gynecology

تلفن: ۵۰۱-۶۷۷۵

16311 VENTURA BLVD.
SUITE 745
ENCINO, CA 91436

9024 BURTON WAY
BEVERLY HILLS, CA. 90211



دکتر ایرج دردشتی

دارای برد تخصصی بیماریهای داخلی

فوق تخصص در بیماریهای قلب و عروق
عضو کادر پزشکان بیمارستان سیدرسانای

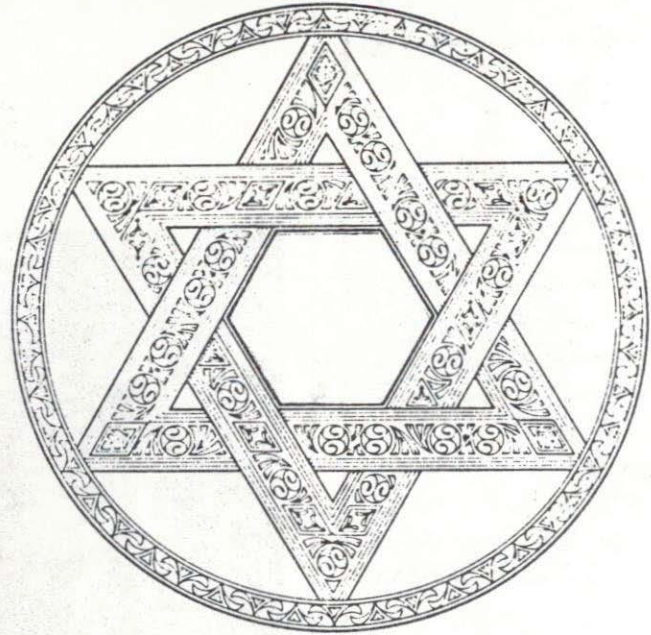
تلفن ۹۲۰۰-۵۵۲-۲۱۳

2080 Century Park East
Suite 1010, Los Angeles

توضیح

ابراهیم موره درج شده بود ترجمه از نوشته آقای باروخ دودوانی در روزنامه هتسوفه چاپ اورشلیم می باشد.

خواننده بدری موره طی نامه ای که از تل او یورسال داشته اند متذکر شده اند نوشته ای که در شماره ۱۸ نشریه شوفار بمناسبت سالروز درگذشت دانشمند فقید



یک یهودی نگران ربای مردخای کاپلان

ومراعات شود. چه اکثریت یهودیان در قرن بیستم در اکناف جهان دیگر نمی خواهند شاید نتوانند در این چهارچوب مقررات زندگی کنند، در جهان تحول یافته و پیشرفته امروزی مانند گذشته خود را مقید ساخته و جدا از سایر اقوام زندگی نمایند.

مکتب صیونیسم نیز که در آن کاپلان خود یکی از پایه گذاران و رهبران آنست بطور وضوح وقاطع نشان داده است که یهودیت نیاز به آن دارد که بر یک اساس و بنیاد جدیدی پایه گذاری شود. به عقیده وی یهودیت باید بر روی چنان بنیادی قرار گیرد که بتوان آنرا با تمهیدات و التزامی که دموکراسی و آزادی مذهب و جنبه های بین المللی و همزیستی یهودیان با سایر اقوام در جهان و خصوصیات اخلاقی مخصوص ما بین قوم و پیشرفت علم و تکنولوژی و فهم و ادراک مردم در جهان ایجاب می کند آشتی داد. کاپلان تمام این عوامل و شرایط جدید را در مکتب فلسفی جدید خود «بازسازی» در نظر گرفته و مراعات نموده است. کاپلان در این مکتب «بازسازی» علاوه بر آنکه تمام شرایط مورد لزوم را توضیح و تشریح می کند، دستورات و توصیه های جدیدی را که برای حفظ یهودیت لازم است پیشنهاد می نماید.

از نقطه نظر تشریح و تفسیر این مکتب جدید کاپلان تصویری قابل فهم و درکی از خطر تجزیه و از بین رفتن وحدت قوم یهود را بعلمت آزادی خواهی و روشنفکری که در مردم بعلمت پیشرفت علم و تکنولوژی بوجود آمده است ارائه می دهد. به نظری چنانچه تدابیری تازه اندیشیده نشود دوران تسلط و قدرت روحانیت بر تمام شئون حیات این ملت خاتمه خواهد پذیرفت. وی معتقد است که متابعت کورکورانه و تقلیدی از مقررات فقه یهود و دستوراتی که بمدت متجاوز از ۲۰۰۰ سال موجودیت این قوم را حفظ نموده است در حال و از گون شدن و انهدام است، و برای هر فرد یهودی مقررات و سنن یهودیت قرن ۱۷ بکلی منتفی است و دیگر نمی توان باروخ اسپینوزا را بعلمت داشتن عقاید غیر سنتی تکفیر نمود همچنانکه در عصرمانیز بن گوریون پیرو بحق این مکتب والبرت انشتین را نمی توان از یهودیت طرد نمود و اصول و معتقدات او را مردود شناخت که اولی اولین نخست وزیر دولت استقلال یافته اسرائیل بود و دومی یکی از آنهایی بود که ریاست جمهوری این مملکت به او پیشنهاد گردید.

کاپلان در این مکتب جدید چه رفرم و تغییراتی را پیشنهاد و تجویز می نماید؟ در مکتب بازسازی در مورد یهودیت بحث و گفتگو شده و یهودیت را مذهب تکامل یافته می داند که با تمام میراث های اجتماعی و تمدنی قابل اجرا است. کاپلان

ببینند. کاپلان در حالیکه سعی نموده است که مسأله اصلی هویت یهودیت را در قرن حاضر روشنگاری نموده و با دقت تمام مورد مطالعه قرار دهد، مکتب جدیدی بنام «مکتب بازسازی» را بنیان گذاری نموده است. در این مکتب جدید توجه کاپلان معطوف آنست که از امواج مخرب و خرد کننده ای که جامعه و ملت یهود را تهدید می کند جلوگیری نماید و نظرات جدید و پیشنهادات احیاء کننده ای را ارائه نماید که فرهنگ و مذهب یهود را بسوی تکامل سوق دهد. کاپلان در ابتدا از طرفداران پرو پاقرص و معتقد به حفظ متابعت کورکورانه از سنن مذهبی یهودیت بوده و معتقد بود که مذهب و فقه و سنن ملی را همانطور که طی قرن های متمادی حفظ و نگاهداری شده و از نسلی به نسل دیگر به ارث رسیده است حفظ نماید. ولی کاپلان متوجه شد در نیایی که روز بروز بطرف آزادی و روشن بینی و منطق پیش می رود مقررات مذهبی و سنتی (حالا) که متجاوز از ده هزار سال توانسته است موجودات یهودیت و فرهنگ قوم یهود را حفظ نموده و از نابودی و فنا مصون نگاهدارد دیگر نمی تواند بیش از این و برای مدتی طولانی تر بعنوان پایه و اساس مذهب یهود و یهودیت حفظ

مردخای کاپلان فیلسوف بزرگ و متفکر عالیقدر یهود و بنیان گذار مکتبی جدید «ریکونستراکشنیست» که تمام زندگی خود را در مطالعه وفق دادن یهودیت و فرهنگ یهود با مقتضیات جدید زمان نموده بود اخیراً در سن ۱۰۲ سالگی در شهر نیویورک در گذشت و ملت یهود یکی از بزرگترین متفکرین خود را از دست داد. کوشش و اندیشه وی همواره مبدول این امر بود که چگونه تغییرات افکار فلسفی را در مسیر تاریخ وارد سازد.

کاپلان سعی نموده است که قدرت خلاقه و تفکرات و تجربیات عمیق خود را در جنبه های مختلف فلسفی باروشی که یهودیت بنظر او باید در آینده در پیش گیرد بکار گیرد و پیشنهادات جدیدی برای تعیین خط مشی و مسیر تاریخ و مخصوصاً تاریخ یهود ابراز داشته است. کاپلان پیشاهنگ فلسفه ای است که تمام جوانب مختلف تفکرات خود را به یهودیت متوجه ساخته است بطوریکه هر کس بخواهد از تحولات و تغییراتی که در فرهنگ یهودیت در ۸۰ سال اخیر قرن بیستم روی داده است با اطلاع شود باید نوشته ها و عقاید وی را مورد مطالعه و بررسی قرار دهد تا بلکه بتواند آنچه را که اودیده است

دنیای یهودیت رابه این صورت تصویر می کند که مرکز تمدن یهودیت را در اسرائیل متمرکز می داند که سایر یهودیان متفرق در خارج از اسرائیل با این دولت روابط و همبستگی و سنتی و مذهبی دارند.

کاپلان در شهر سون سیاتسین لیتوانی در یازدهم جون ۱۸۸۱ متولد شد. هنگامی که به سن ۹ سالگی رسید بامادر وخواهرش به نیویورک نزد پدرش ربای اسرائیل کاپلان که برای هموار کردن و فراهم نمودن وسایل آسایش زندگی خانواده خود به این شهر عزیمت نموده بود رهسپار شدند. مردخای کاپلان مانند پدرش عشق و علاقه شدیدی به یهودیت و سنن ملی آن پیدا کرد. کاپلان مدتی در خدمت ربای ژرف ژاکوب لیدر فرقه ارتودکس های نیویورک برای نظارت در امر کسروت و تشخیص غذاهای مجاز مشغول بود. مردخای از پدرش حفظ سنن ملی را به ارث برده بود که در تمام طول مدت عمرش راهنمای رفتار و عقاید او در خدمت به یهودیت بوده است. او همیشه بایی عدالتی های اجتماع به مبارزه می پرداخت و در احقاق حق کارگران در مقابل کارفرمایان که برخلاف دستورات و قوانین مذهب و تعالیم تورات رفتار می نمودند علم مخالفت بر فراشت و در تمام نوشته ها و تالیفات خود در مورد مسئولیت های سنتی و اعمال و دستورات دین پافشاری می نمود.

در سن ۹۰ سالگی با یهودیان متعصب و خرافاتی به بحث و گفتگو می پرداخت و در مورد آینده یهودیت معتقد بود که طرفداری از صلح باید هدف اصلی مراسم و اقدامات مذهبی یهودیان قرار گیرد. مادر کاپلان بوی پیشهاد نمود که به جرگه ربای هابه پیوندد. او توصیه مادرش را پذیرفت ولی معهدا پیوستن به جرگه روحانیون مانع از آن نشد که برخلاف مسیر ارتودکسی که انتخاب نموده بود از مسیر واقعی افکار خود متابعت ننماید و از تمایلات اصلی خود دست بردارد.

خواهرش هم که سن ترازوی بود به آموختن علوم دینی و مذهبی یهود پرداخت در حالیکه در آن دوره تعلیمات مذهبی مختص مردان بود و زنان حق فرا گرفتن تعلیمات مذهبی و ربایی را نداشتند. این موضوع اثر عمیقی در روحیه کاپلان بوجود آورد و از این روتصمیم بر آن گرفت که در مورد آزادی زنان در عالم یهودیت اقدامات جدی مبذول دارد. نظرات جدید کاپلان بامخالفت شدید فلاسفه اروپایی روبرو شد، چه نظرات کاپلان را عاری از منطق و آنها راسطحی می دانستند. این انتقادات و مخالفت ها عدم قابلیت آنان را در تشخیص بین طرح های فرضی و حقایق تجربی رانشان می داد. کاپلان هیچگاه در مطالعات خود بارو بر روشن شدن با حقایق تلخ ابا نداشت. آنچه را که می نوشت و به رشته

تحریر درمی آورد در جواب مسایلی بود که در اجتماع و در تماس با دانشجویان و مقامات روحانی و مکتب های مختلفی که وجود داشت و مورد بحث و گفتگو قرار می گرفت. کاپلان در مورد آموزش تورا و سنت های کلی فرهنگ یهود در امریکا فوق العاده احساس مسئولیت می کرد.

از لزوم آموزش هنر را در مدارس یهودی چه از لحاظ معنی و چه از لحاظ هدف بخوبی احساس می کرد. برای تربیت جوانان و نوجوانان یهودی و ایجاد حس مسئولیت مشترک در آنان بسیار کوشا بود و با کمک هایی که از طرف سامون شوشتر دریافت نمود زمینه مساعدی برای تربیت و پرورش معلمان یهودی بوجود آورد. نظرات جدید کاپلان در مورد مراسم صیون نیست جدید پاسخی است به بعضی از انتقاداتی که از اصول و معتقدات تشکیلات و مکتب صیون نیسم مخصوصاً درباره نفی یهودیان در گالت و کوتاهی ارزشیابی عامل مذهب در رشد و تکامل تمدن قوم یهود ابراز شده است. به عقیده کاپلان مسأله یهودیت و «چه کسی یهودی است» که در محافل مختلف در حال حاضر مورد بحث و گفتگو است نمی تواند به تنهایی در پارلمان اسرائیل حل و فصل گردد و مورد توافق قرار گیرد بلکه باید تمام یهودیان در اقصی نقاط جهان نیز بر آن صحه بگذارند. در حال حاضر بصرف موجودیت دولت اسرائیل اونی نمی تواند به تنهایی در مورد یهودیت و یهودی کیست تصمیم بگیرد و موضوع هویت یک فرد یهودی را تفسیر و حل و فصل نماید.

«یهودیت» با کلمه «اسرائیلی» مترادف نیست. تمام یهودیان دنیا تبعه دولت اسرائیل نیستند. قبل از آنکه دولت اسرائیل بوجود آید کاپلان پیش بینی می کرد که نمی توان ماهیت و وضع اجتماعی یک فرد یهودی را با یک سلسله مشخصات خاص تعریف نمود. یهودیت مافوق مملکت داری و قوانین و مقررات مملکتی است و بنابراین یهودیان باید یک راه و رسم نوینی برای تشخیص ماهیت خود جستجو نمایند. کاپلان از تمام یهودیان و فرقه های مختلف خواسته است درباره تعریف جامعی از یهودیت به توافق برسند و خط و مشی و رسم و راه یهودیت را در جهان مشخص نمایند. و اگر در حال حاضر یک چنین اقدامی مقدور و از قدرت همگان خارج است و رسیدن به یک توافق در سطح جهانی غیر ممکن می باشد دلیل بر غیر منطقی بودن نظرات کاپلان نیست.

کاپلان متهم است که در بیان عقاید خود بیشتر طبقه روشنفکر و تحصیل کرده اجتماع را مورد نظر گرفته و به طبقه متوسط مردم توجهی نداشته است و در این صورت کاپلان را پیرو مکتب «مایمونید» می دانند که بطور وضوح به طبقه روشنفکر و ممتاز اجتماع سرو کار داشته که در اجتماع فعلی کمتری توان به آنها دست

یافت. «مایمونید می گوید قوانین و شرایع دینی برای انسان داده شده و نه اینکه انسان برای شریعت و فرامین آفریده شده باشد بنابراین معتقد است که قوانین و شریعت طبق شرایط ضروری زمان و مکان قابل جرح و تعدیل است».

در حالی که کاپلان به هیچوجه با این طرز فکر موافق نیست و هیچگاه طبقه متوسط اجتماع را از نظر دور نداشته و برعکس برای هر فرد احترام و ارزش مخصوص بوی راملحوظ داشته است.

البته کاپلان نیز معتقد به یک طبقه روشنفکر و پیشرفته تر در اجتماع می باشد و طبعاً وجود تفاوت ها و اختلافاتی بین طبقات مختلف مردم مورد قبول وی می باشد. کاپلان در تز خود تر «ملت برگزیده» را مردود شناخته و مایل است که جنبه و خلاقیت بیشتری در ادای نماز و فرایض دینی در نظر گرفته شود. شاید یکی از دلایلی که نظرات کاپلان هنوز مورد قبول همگان قرار نگرفته معلوم عدم آمادگی مردم و جامعه یهود در تجزیه و تحلیل وقایع گذشته و اثرات آن در آینده باشد.

آنچه که نمایشگر افکار پیشرفته کاپلان می باشد آنست که در ۵۰ سال پیش موضوع لزوم برقراری تساوی حقوق زن و مرد را در یهودیت مطرح ساخت. مثلاً در سال ۱۹۲۲ پیشنهاد نمود که مراسم بت میتصوا برای دختران ۱۳ ساله نیز مانند بر میتصوا برای پسران انجام شود. در حالی که هنوز در حال حاضر ارتودکس ها با اجرای این مراسم مخالفت می ورزیدند. مدت ها طول کشید تا کاپلان بتواند پیروان مکتب خود و حتی زنان را در مورد برقراری تساوی حقوق زن و مرد در جوامع یهودی متقاعد سازد و حتی منقدین بشدت به کاپلان در مورد این عقاید و پیشنهادات جدیدش اعتراض نمودند ولی باید اذعان نمود که کاپلان بیش از منقدین خود حقیقت را دریافته و واقعیت امر را بهتر از آنان درک نموده بود. کاپلان حتی از طرف همکاران «سمینارالهیات یهودی» خود در مورد اصرار و تصمیم قطعی اش برای احیاء و تجدید نظر در مراسم تقیلا و ایجاد و تغییراتی در صیدور و «ماهوریم» مورد انتقاد شدید قرار گرفت. تعدادی از آنان مقالات انتقادی شدید در مورد اعتقادات و پیشنهادات کاپلان و پیروان مکتب وی در مورد تجدید نظر در هگادابشرشته تحریر در آوردند و منتشر نمودند. کاپلان و پیروانش موقفانه سعی نمودند طریقی پیش گیرند تا مفهوم جدیدی برای برگزاری «سیدر» قایل شوند. مساعی کاپلان و پیروان مکتب وی درباره تجدید نظر در مورد سدر و مراسم برگزاری آن پس از یک نسل به نتیجه رسید و امروزه فرقه محافظه کاران یهودی «کونسرواتیو» نیز در همین جاده قدم گذارده اند و همین راه را می پیمایند.

دکتر فریدون نیسان

دندانپزشک

F. Naysan D.D.S.

10350 Santa Monica Blvd., Suite 190,
L.A., Ca. 90025

تقاطع سانتامونیکا کوچک و بوری گلی

(213) 557-1704

بیمه های درمانی پذیرفته می شود.

بلیط هواپیما باتخفیف

به نیویورک، شیکاگو، میامی،

هاوایی و سایر سفرهای داخلی

مکزیکو، پورتوریکو، اروپا، استرالیا،

نیوزیلند و خاور دور

برای خرید بلیط باید

۲ هفته قبل از سفر اقدام کنید

تلفن: ۵۵۲-۰۵۶۱

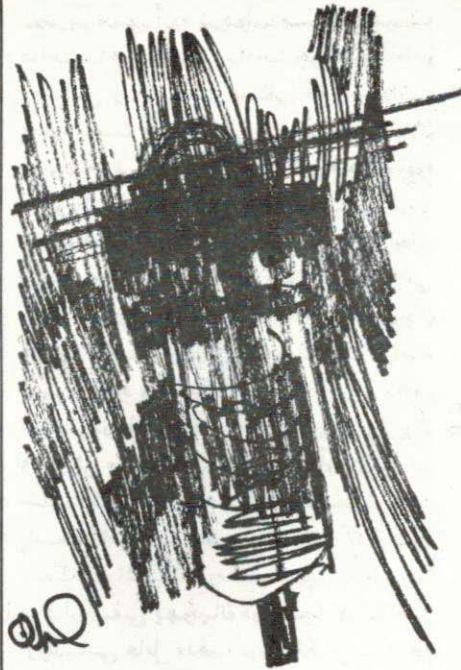
وکیل در امور مهاجرت

Aron Hasson

دفتر در وست وود

10850 Wilshire Blvd., Suite 800
Los Angeles, CA 90024

(213) 475-4779



هر وقت که موقع مرگ من فرارسد من قصد دارم که در حال زندگی کردن بمیرم. متأسفانه مرگ جسمانی کاپلان ناراحت کننده و به مدت ۵ سال ایام بد و رنج آوری را گذراند و بنابراین در یک لحظه زندگی اومتوقف نگردید بلکه بتدریج قوای حیاتی او به تحلیل رفت تاخاتمه پذیرفت. آقای ژان کهن می گوید که من افتخار و امتیاز آنرا داشتم که در ابتدا شاگرد مکتب کاپلان و سپس همکار وی برای مدت ۴۵ سال باشم. آنهایی که چنین افتخاری رایافتند و سعادت آنرا داشتند که در مکتب کاپلان مثل من کار کرده باشند اقرار دارند که کاپلان یک «ربی» و یک دانشمند عالیقدری بود که تاریخ یهود کمتر نظیر آنرا داشته است.

در سال ۱۹۳۶ هنگامی که باوول خاص ومیلی زائد الوصف کتاب «یهودیت بعنوان یک تمدن» را خواندم متوجه شدم که یک جهت گیری خاص ومطلوبی نسبت به زندگی بطور کلی به یهودیت بطور خاص پیدا کردم. کاپلان برای افکار من وعده زیادی از جویندگان راه حقیقت هم شکل وهم هدف مطلوبی رافراهم نموده ونشان داده بود. وقتیکه من از افکار عمیق ومعتقدات ابتکاری کاپلان اطلاع یافتم چنان شیفته آن شدم که هرگز اورا رها نکردم.

کاپلان در طول حیات پرافتخار خود همواره یهودیت را بعنوان مرکزی برای پیشرفت تمدن و فضیلت وتقوا می دانست و یکدم از رسالت تاریخی خود در احیاء یهودیت و ارائه نظراتی که برای تکامل افکار فلسفی وتاریخی یهود لازم بود باز نایستاد.

نوشته ژاک کهن فیلسوف بزرگ یهود
اقتباس وترجمه دکتر باروخ بروخیم

هنگامی که صیدور جدید مکتب بازسازی در ۱۹۴۱ منتشر شد باخشم وعصبانیت مقامات افراتیون ارتدکس رو برو گردید و بایک مراسم رسمی آنرا سوزاندند. این عمل کاپلان رافوق العادان ناراحت ومتاثر ساخت ولی وی منقدین خود را بشدت مورد حمله قرار داد وهیچگاه در مقام مخالفت با آنان برنخاست، چه هیچگاه انتظار نداشت که افکار روشن وبصیروی در مورد بازسازی فرهنگ وآداب ورسوم ونماز در یهودیت آخرین مرحله تکامل مذهب وآیین یهود باشد. آنچه که مورد ناراحتی فکرونگرانی خاطر اورا فراهم می کرد بی تفاوتی وعدم توانایی وقابلیت رهبران جامعه یهود به درک حقیقت وواقعیت در مورد بقا وتداوم یهودیت می بود. او برای آینده قوم یهود نگران بود و برای اثبات ادعای خود وصحت تشخیص ونگرانی خود همواره آیه ای ازیشیا (۲۹، ۱۳ و ۱۴) را ذکر می کرد. «خداوند می گوید: بعلت آنکه این قوم برای نزدیک شدن وستایش من فقط دهان خود را گشودند وبالبهای خود مراثنا گفتند ولی قلب وفکر خود را از من برتافتند ودور نمودند بطوریکه ترس ومدح وثنای آنها فقط یک تظاهر ساده ومتابعت کورکورانه ای از دیگران ونه از روی ایمان واعتقاد صحیح بوده است بنابراین منهم تصمیم گرفتم که این قوم رامات ومتحیر سازم و بنابراین عقل سلیم وفکر منطقی ومعجزات را از آنها دور ساختم وفهم وادراک وعقل وشعور این متفکرین وآنها را که رویه حزم واحتیاط رانتخاب نموده بودند را از آنها مخفی ودور ساختم».

کاپلان خود را یک «یهودی نگران» می نامید و اظهار می کرد خیلی چیزها وجود دارد که اسباب نگرانی خاطر اورا فراهم ساخته است. ولی بعضی افراد نگرانند وفرسوده می شوند ولی کاپلان نگران است وفکر می کند وراه چاره می جوید وتاحدی که بتواند جوابگوئی خلاقیت وابتکاراتی باشد که بتواند بمبارزه خود ادامه دهد جنبه خوش زندگی رادرنظر می گیرد واز مرگ نمی هراسد ونگران آن نمی باشد وآنها پدیده ای اجتناب ناپذیر زندگی می داند. کاپلان به آن طبقه از افراد پیوسته است که مانند فیلسوف هم دوره خود هوراس کالن نماینده برگزیده تاریخ برجسته ودرخشان ملت یهود است. کاپلان در مقاله ای که بمناسبت هفتاد وسومین سال خود انتشار داده می نویسد عده ای از مردم زندگی خود را بر روی ترس از مرگ شکل می دهند وعده ای هم زندگی خود را بر روی لذت بردن واستفاده از زندگی بنامی نهند. اولیها زندگی می کنند در حالیکه مرده اند ودومیها در مرگ نیز زندگی می کنند.

وجدان است... و در فهرست زشت ترین کلمات:
زودگذرترین کلمه عمر است، زشت ترین کلمه
مرگ است، ناپاک ترین کلمه زنا است...

* خانم زینا اهرنوف (بصلتلی) -
از لطف شما به مناسبت ارسال ترجمه مقاله
منتشره در لوس آنجلس تایمز سپاسگزاریم.
لطفاً به همکاری خود با شوفار ادامه دهید
و ماسمی خواهیم کرد از نوشته های شما در آینده
استفاده کنیم.

• ضمناً مقاله های آموزنده و جالب دیگری
از جمله سه مطلب از آقایان دکتر سیون فتوره چی
و دکتر دانیال پور و دکتر فرح الگالعی (حکمت)
رسیده که در فرصت های مناسب از آنها استفاده
خواهد شد.

نامه ای از یک دوست صاحب دل در باره شب شعری در ولی

شبی در بزم شاعرانی که توسط سازمان
جوانان وابسته به مجتمع فرهنگی یهودیان ایرانی
مقیم منطقه ولی تشکیل شده بود رفتم که اخمی
از دل باز کنم و اشکی از سرشادی فروریزم.

جالب آنکه جوانان بخلاف اقتضای سن
خود که باید جویای نام باشند و گردن فرازی
نمایند بدون تظاهر و تبلیغات آنچنان محفلی گرم
و باصفا تشکیل داده بودند و سالن بزرگی
از جمعیت موج می زد ناگاه خبردار شدم که
شهلا سرشار این خواننده پر قدرت و انسان والا
و فرید فرجام نوازنده چیره دست و مرد متواضع
و آرام که سحر پنجه های هنر آفرینش با تمام
تار و پود وجود انسان بازی می کند و در اعماق دل
می نشیند در جمع ما حضور دارند و این خود
موجبات شرف و سرور همگان را برانگیخته بود.

و آنهایی ریا و بدون تکلف به خواهش شیفگان
هنر واقعی و اصیل ایرانی به روی صحنه آمدند.
از صدای سرشار و ساز فرجاد فراوان شنیده بودم
ولی هنگامی که شهلا با هیأتی ساده و وحالتی
خاشعانه بدون تعارف و خود گیری بروی صحنه
آمد و فرجاد این نازنین مرد هنر ایران در کنار او
قرار گرفت و بانوای سازش صدای جادویی شهلا
از جنجره داودیش بیرون ریخت و در سالن پاشید
هنگامه ای بر پاشد از تحسین و اعجاب و ستایش.

حالی دست داده بود که غم و تاریکی غربت
رابطه سنگینی و سیاهی فراموش کرده و به این
فکر فرورفته بودم که اگر فرمالوک و زیری
خداوند آواز و ابوالحسن خان صبا سلطان ساز
را از دست داده ایم، اگر بنان باز نشسته شد و استاد
نی داود مشمول کبارت سن گردید، جای غم
بسیار نیست که شهلا سرشار قمر ثانی است و فرید
فرجاد صبا ئی دیگر.

ارادتمند ناصر حکاکها



ماوشما

دوستان عزیز:

• توجه داشته باشید که در این صفحه تنها به نظرات و نامه هایی اشاره میشود که نام نویسنده و یا گوینده نظر، آدرس و شماره تلفن آن دقیقاً ذکر شده باشد. از چاپ نامه های بدون امضاء و یا پاسخ به تلفن های بی نام خودداری میشود. در صورت تمایل نام شما نزد ما محفوظ خواهد ماند.
تلفن تحریریه شوفار ۷۷۳۰-۶۵۵ (۲۱۳) است و آدرس ما پشت مجله چاپ شده است ■



نامه های رسیده

دوستان زیادی این بار نیز نامه
ها و اشعار و مقالاتی برای شوفار ارسال
داشته اند که ضمن سپاس از لطف
همگی آنان به چند تای آنها ذیلاً اشاره
می گردد:

• خواننده با و آقای عزیز الله جوهری شرحی
تحت عنوان «یادی از بن گوریون مرد واقعی،
به مناسبت دهمین سال وفات او» فرستاده اند که
ضمن تشکر از ایشان با توجه به مطلبی که
در همین زمینه در شماره قبل شوفار به چاپ رسید
از چاپ شرح مذکور معذوریم.

• آقای هوشنگ رفیع تحت عنوان «لحظه
روشنایی و خود کاوی» مطلبی نوشته اند که
آغاز آن چنین است: خود را بشناس
تا خدا را بشناسی.

• خواننده ای با ذوق با امضای الف - ف -
ف جدول جالبی از زیباترین و زشت ترین
کلمات تهیه نموده و فرستاده اند که به ذکر چند
نمونه از آنها اکتفا می شود: در فهرست زیباترین
کلمات: زندگی بخش ترین کلمه خداست،
عزیزترین کلمه وطن است، پاک ترین کلمه

قابل توجه خوانندگان

دوستانی که در نهایت لطف و مرحمت برای شوفار
مطلب و مقاله می فرستند لطفاً باین نکات توجه
فرمایند:

* از هر دوروی کاغذ برای نوشتن استفاده نکنید.
یک روی آنرا خالی بگذارید.
* یک خط در میان بنویسید.
* لطفاً خوش خط و خوانا مرقوم بفرمائید و در صورت
امکان مطلب را تایپ کنید.
* مقالات و مطالبی که به دفتر هیأت تحریریه می
رسد متعلق به شوفار خواهد بود و در صورت لزوم
تصحیح و تلخیص می شوند. اصل مطالب به
صاحبان آنان مسترد نمی گردد. بهمین علت
بهنراست فتوکپی نوشته خودتان را برای ما بفرستید.
از چاپ مطالبی که با هدف کلی نشریه و موازین
و اصول مورد قبول هیأت تحریریه مغایرت داشته باشد
معذوریم.

کسانی که مایل نیستند نوشته هایشان مورد جرح
و تعدیل و تلخیص یا تصحیح قرار بگیرد این نکته
را در نامه خود تذکر بدهند. در صورتیکه انجام این
تقاضا امکان پذیر نباشد از چاپ مطلب خودداری
خواهد شد.

اعتقاد مدارس روزانه شروع بتوسعه یافت.

البته تاسیس وتوسعه مدارس روزانه یهودی در امریکا دلایل گوناگون دارد از جمله آنکه مطالعه ای در سیستم آموزش و پرورش دولتی نشان می دهد که در آن ارزش های فرهنگی گروه های قومی تعلیم داده نمی شوند. علت این امر اعتقاد به دموکراسی در سیستم تربیتی این کشور است. دانش آموزان این مدارس معمولا از خانواده های مهاجر با فرهنگ ومذهب متفاوت به مدرسه می آیند و در نتیجه هر یک ارزش های ویژه خود را به همراه دارند. تعلیم یک ارزش قومی مشخص ممکن است متضاد با ارزش های فرهنگی ومذهبی و خانوادگی سایر دانش آموزان باشد. پس آموزش ارزش های قومی به خانواده ها وموسساتی که خانواده دانش آموز به آن وابسته است سپرده می شود. از طرف دیگر خانواده بخاطر مشکلات روزانه زندگی و گاهی بعزت نداشتن آگاهی کافی از ارزش های قومی خود وعدم مهارت در تعلیم دادن قادر نیست این وظیفه مهم را بنحو شایسته و به تنهایی انجام دهد.

جامعه شناسان نیز همواره تصویر تاریکی از آینده جامعه یهود در امریکا ارائه کرده اند. آمار ومطالعات مختلف نشانگر اعداد مایوس کننده است. ازدواج های مختلط وجذب در مذاهب ومسلک های بیگانه والدین راشدیدا نگران آینده فرزندان شان کرده است.

اینها شاید قوی ترین دلایل برای نضج گرفتن مدارس مدارس بعد از ظهر یهودی در امریکا می باشند که تا بحال خدمات ارزنده ای بجامعه یهودی کرده است وتابه امروز این مدارس در کنار مدارس روزانه یهودی نقشی بسیار مهم در آموزش فرهنگ غنی یهود به نسل های آینده را ایفا می کنند.

مهاجرین یهودی ایرانی نیز هنگام ورود به این سرزمین پس از اسکان خانواده از روند فکری سایر مهاجرین یهودی مستثنا نبودند. چون خود را یهودیانی متمعهد با سابقه تاریخی بیش از دوهزار و هفتصد سال یهودی گری وحفظ یهودیت می دانستند. برای حفظ فرهنگ ومذهب خود وانتقال آن به فرزندان شان در پی چاره برآمدند. عده ای که از سیستم وتجربه آموزشی سایر برادران خود در این کشور مطلع بودند فرزندان خود را به مدارس روزانه یهودی فرستادند. اما اکثریت بعزت اوضاع اقتصادی سخت ومتحول که به آنها اجازه پرداخت شهریه سنگین رانمی داد فرزندان خود را به مدارس دولتی فرستادند. در این مرحله بود که نیاز به مدارس بعد از ظهر تشدید گردید. افرادی که تصویر روشنی از سیستم تربیتی داشتند اقدام به تاسیس مدارس بعد از ظهر برای جامعه یهودی ایرانی کردند تا فرهنگ سنتی این ملت کهنسال در آینده حفظ گردد.



بود. گروهی از این مهاجرین معتقد بودند که فرزندان باید آماده برای زندگی در جامعه بزرگ امریکایی شوند و بهمین دلیل می باید فرهنگ امریکایی را بیاموزند. بنابراین کودکان خود را در مدارس عمومی ودولتی گذاشتند. اما همزمان مدارس راتاسیس کردند که به مدارس بعد از ظهر یا «تلمود تورا» معروف گردید. کودکان بعد از اتمام دروس عادی در مدارس دولتی به مدارس بعد از ظهر یهودی می آمدند تا فرهنگ خود را بیاموزند. بدین ترتیب بود که مدارس بعد از ظهر یکی پس از دیگری گشایش یافت. اما کوشش وجستجو برای توسعه فرهنگ وهویت یهودی بهمین جا خاتمه نیافت. گروهی از والدین از نحوه آموزش مدارس عمومی رضایت نداشتند. آنها معتقد بودند که کودک یهودی می باید در جو ومحیط یهودی تربیت شود و در این محیط خودی است که می توان بطور موثر ارزش های قومی را به کودکان انتقال داد. بر اساس این

قوم یهود در میان ملل دنیا بقوم کتاب معروف است. چنین شهرتی از آنجا ناشی می شود که این ملت همواره در راه کسب علم ودانش وارتقاء فرهنگ خود کوشا بوده است. در یهودیت تعلیم وتربیت وانتقال ارزش های معنوی امری بسیار حیاتی قلمداد شده تابه این حد که علمای یهود زندگی در شهری را که دارای معلم ومدرسه نیست قدغن کرده اند وتجویز می کنند که در صورت عدم وجود مدرسه در شهری می باید کنیسا را به مدرسه تبدیل کرد. در حقیقت راز بقای قوم یهود در فرازونشیب تاریخ، اتکایش به ایمان وانتقال ارزش های مذهبی و اخلاقی از طریق مدارس و خانواده به نسل های آینده بوده است. مهاجرین یهودی هنگامی که از اروپا قدم به سرزمین امریکا گذاردند از راز بقای ملت خود آگاه بودند و به محض اسکان، اولین اقدامشان جستجوی طرق مناسب برای آموزش فرزندان خود



مجموعه آثار ۲۲ هنرمند ایرانی و غیر ایرانی در زیر یک سقف

به همت سازمان نو بنیاد هنری و فرهنگی ایرانیان که ابتکار بوجود آمدنش از آن جیکوب شتباوی و تنسی چند از یاران اومی باشد، هم اکنون نمایشگاهی مجلل و غرور آفرین از آثار ۲۲ هنرمند که اکثر آنان از هم میهنان مقیم این دیار می باشند در طبقه هم کف ساختمان مرکزی جویش فدریشن واقع در ۶۵۰۵ و یلشر بولوار تشکیل یافته است.

این نمایشگاه کم نظیر که آثار متعدد با سبک های کلاسیک و مدرن از هنر اصیل ایرانی را در بر می گیرد تا ۶ مارس ۱۹۸۴ در محل فوق الذکر دایر است و ما کلیه هموطنان عزیز را به دیدن این مجموعه با ارزش هنری و تشویق هنر آفرینان نام آور ایرانی دعوت می کنیم.

ساعات دیدار از نمایشگاه بین ۱۰ صبح تا ۵ بعد از ظهر از دوشنبه تا جمعه هر هفته می باشد.

گفتار بزرگان

- برای ما که در روسیه هستیم، کمونیسم چون یک سگ مرده است، در حالی که برای خیلی از مردم کشورهای دیگر هنوز مانند شیرزنده ای است.
 - الکساندر سولژنیتسین (نویسنده روسی)
 - صدای ده نفر که صحبت کنند بیشتر از صدای ده هزار نفری است که ساکت باشند.
 - ناپلئون بناپارت
 - آتش هرا انقلابی بالاخره محو خواهد شد و به جای خود نطفه یک بوروکراسی جدیدی را باقی خواهد گذاشت.
 - فرانس کافکا
 - آنان که انقلاب صلح آمیز را غیر ممکن می کنند، انقلاب قهرآمیز را اجتناب ناپذیر می کنند.
- جان اف. کندی



The Equitable Life
Assurance Society of
the United States

دفتر خدمات بیمه

الیاس و ژوبین اسحقیان

بیمه های درمانی، پس انداز، و عمر

Eshaghian, Elias & Joubin

16055 Ventura Blvd.
Suite 600
Encino, CA 91436
986-5200
872-2613

تلفن های: مستقیم: 906-3666

«اسحقیان»

راهنمای صدیق شما در امور «بیمه»

Nationwide Tax Consultants Inc.
JOSEPH BOODAI B.S., M.B.A.
Tax Consultant

یوسف بودائی

مشاور امور مالیاتی و حسابداری

(213) 789-6969

16311 Ventura Blvd.
(West Coast Bank) : ساختمان
Suite 640
Encino, CA 91436

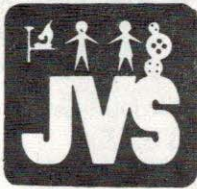
از جمله این مدارس مدرسه نصح یسرائیل است که شاید یکی از مدارس بی نظیر در سیستم مدارس بعد از ظهر امریکا باشد. زیرا که در آن فرهنگ سنتی یهودیانسفارادی مختص ایرانیان تعلیم داده می شود. و دیگر آنکه در آن سه زبان عبری، فارسی و انگلیسی توأمأ مورد استفاده است. کودکان ایرانی که از مدارس عمومی به این مدرسه می آیند بعلمت سکونت محدود خود در این کشور به زبان انگلیسی تسلط ندارند. اینک دانش آموزان با فراگیری زبان عبری که باراهنمایی معلم انگلیسی زبان انجام می شود هر دو زبان را توأمأ می آموزند.

دانش آموزان که همگی ایرانی هستند بعلمت فرهنگ مشترک در میان خود احساس همبستگی زیادی کرده و بایکدیگر بزبان فارسی صحبت می کنند. گاهی نیز قسمتی از دروس بزبان فارسی بدانش آموزان تعلیم داده می شود. اولیا با مدرسه و مسئولین آن در ارتباط بسیار نزدیکند و بخاطر عدم سدومانع زبانی در جلسات خانه و مدرسه و جشن هاشرکت فعالانه دارند. و این عوامل باعث شده اند که کودکان آنچه را که در مدرسه فرامی گیرند قسمتی از وجود خود احساس کرده و آنرا یک زبان خارجی یادرس فوق العاده تصور نکنند.

اخیرا این مدرسه که برای رشد شخصیتی و فکری کودکان و نوجوانان جامعه اهمیت بسیار قایل است در صدد است که زبان چهارمی نیز وارد برنامه آموزشی خود کند. این زبان زبان کامپیوتر است. مسئولین مدرسه معتقدند که کودکان ارزش های قومی و دروس یهودی را در حال حاضر می توانند از طریق برنامه های کامپیوتری فراگیرند و از این طریق با الفبای این صنعت که در آینده بدون شک نسل مابه آن محتاج است آشنا گردند. در حقیقت برنامه ریزان و مسئولین این مدرسه از مهارت های آموزشی که از یک زبان به زبان دیگر قابل انتقال است سود جسته و ضمن ایجاد علاقه در نوجوانان برای فراگیری و حفظ فرهنگ یهودی به موفقیت و پیشرفت آنها در دروس عمومی کمک شایان می کنند.

نتیجه: مدارس روزانه بطور کلی نقش بسیار ارزنده ای در حفظ فرهنگ یهود داشته و دارند. این نقش به تدریج با انتقال دانش آموزان از این مدارس بمدارس روزانه یهودی واگذار می شود. حمایت از چنین موسسات آموزشی و درک نقش آنها اولین اقدام والدین در راه آشنایی بیشتر با سیستم آموزشی کشوری است که فرزندان مادران به تحصیل اشتغال دارند و سازندگان جامعه فردای مامی باشند.

داوید شوفط — سرپرست مدرسه
یوسف حکیمی: مدیر مدرسه نصح یسرائیل



مرکز کاریابی یهودیان

وابسته به فدراسیون یهودیان امریکایی
درلوس آنجلس بزرگ

بخش مخصوص خدمت به یهودیان ایرانی وابسته به مرکز کاریابی یهودیان امریکایی کماکان درصدد کمک به افراد جویای کار و معرفی آنان به بازار کار است. این ماه نیز تعداد دیگری از دوستان ایرانی جویای کار در مجله شوفار به صاحبان مشاغل معرفی می شوند تا در صورت لزوم از این گروه متخصصان استفاده کنند.

چندین مشاور در دود مرکز لوس آنجلس و سن فرناندو و لی نام و نشانی و تخصص افراد جویای کار را در دست دارند که از طریق مجلات مختلف بنظر امریکایی های صاحب شغل می رسانند. نشریه شوفار ضمن تجلیل از این خدمت ارزنده هر هفته صفحه ای در اختیار این مرکز غیرانتفاعی می گذارد تا به معرفی افراد جویای کار بپردازد. در ستون مقابل به ترتیب تخصص هر شخص، نام او (از ذکر نام خانوادگی خودداری می شود) سابقه کار و مهارت های او درج شده است. در داخل پرانتز حروف اول اسم مشاور که شخص جویای کار را برای او می دهد ذکر شده است. در مقابل برخی از اسامی مشاوران سه حرف (اس.اف.وی.) نیز چاپ شده است که محل کار آن مشاور را که در منطقه سن فرناندو و لی است مشخص می کند. بدین ترتیب صاحبان مشاغل می توانند که فرد مورد نیاز خود را در میان گروه معرفی شده می یابند می توانند با دفتر لوس آنجلس تلفن ۶۵۵-۸۹۱۰ و در صورتی که سه حرف (اس.اف.وی.) در مقابل حروف اول نام مشاور نوشته شده باشد با دفتر ولی تلفن ۹۰۷-۵۵۰۶ تماس بگیرند.

امیدواری ما اینست که دوستان عزیز ایرانی با مرکز کاریابی و همچنین نشریه شوفار در این زمینه همکاری و همراهی مثبت بکنند تا به آن تعداد از دوستان نیازمند کار خدمت ارزنده ای شود ■

اولین مجتمع فرهنگی یهودیان ایرانی کالیفرنیا (انجمن کنیسای ولی)

پروخیبرمنتشره در شماره قبل شوفار دایر بر موافقت شورای شهرداران مناطق مختلف لوس آنجلس با احداث یک مجتمع فرهنگی در قطعه زمین مورد نظر انجمن کنیسای ولی، اینک با کمال خوشوقتی و افتخار به استحضار کلیه همکیشان می رساند که با لطف و کمک خداوند و پشتیبانی کلیه افراد اجتماع قدم اساسی در راه تحقق این خواسته عمومی برداشته شد و اسکری مر بوط به خرید زمین در دو مین هفته ماه ژانویه بسته شد. اکنون امید قلبی خدمتگزاران اجتماع این است که با کمک و پشتیبانی باز هم بیشتر خواهران و برادران ایرانی موجباتی فراهم آید که هر چه زودتر وام مر بوط به بهای زمین تأدیه گردد تا بتوان زمین را آزاد نموده و اقدام به اخذ اعتبار جهت ساختمان آن نمود. ضمناً این مرزده رابه کلیه خوانندگان گرمی که یکی از مهندسیان جوان و موفق جامعه که در مدت کوتاه اقامتش در این دیار غربت مورد توجه محافل و مؤسسات معتبر امریکایی قرار گرفته و همه جا صحبت از نبوغ و خلاقیت او در زمینه معماری است از روی کمال صفا و صمیمیت تقبل نموده که نقشه مر بوط به مجتمع فرهنگی مزبور را افتخاراً تهیه و تسلیم مقامات شهرداری نماید و این بخش مهم از کار هم اکنون در دست اقدام است.

هدایای شماعزیزان خواه برای سلامتی خود اعضای خانواده و خواه به یاد عزیزان از دست رفته کمک بزرگی جهت سرعت بخشیدن به انجام مراحل مختلف ایجاد بنای مذکور می باشد.

سازمان جوانان وابسته به اولین مجتمع فرهنگی (انجمن ولی)

روز یکشنبه ۱۵ ژانویه سخنرانی جالب و آموزنده ای توسط دکتر هوشنگ سپهر در سالن معاریو تمپل برگزار شد که مورد توجه جمع کثیری از خواهران و برادران ایرانی قرار گرفت. عنوان سخنرانی «موقعیت هم میهنان غیرمسلمان در قانون اساسی ایران» بود که گفت و شنود پرشوری را در پی داشت. برنامه بسیار موفق دیگر سازمان در ماه ژانویه شب شعری بود که در چهارشنبه ۲۵ ژانویه از ساعت ۸ بعد از ظهر در معاریو تمپل برگزار شد و تاپاسی از نیمه شب ادامه یافت. حضور افتخاری خواننده خوش الحان شهلا سرشار و هنرمند و الا مقام فرید فرجاد که از روی کمال صمیمیت هنرنمایی نموده و رونق به آن جلسه دادند جمعیت چهارصد نفری را بر آن داشت که مصرأ خواستار تجدید مجالسی در آن سطح گردند و سازمان امیدوار است با توجه به امکانات خود از نقطه نظر جا به این خواسته جواب مثبت بدهد.

برنامه های ماه فوریه سازمان جوانان انجمن ولی

یکشنبه ۱۹ فوریه از ساعت ۵ بعد از ظهر در سالن معاریو تمپل: بحث آزاد درباره «جوانان مادر برخورد با جامعه امریکایی»، با حضور و شرکت دکتر شیرزاد ابراهیمیان، جلسه و ویژه جوانان خواهد بود.

یکشنبه ۲۶ فوریه: گردهمایی دیسکوپارتی همراه با موزیک و پذیرایی از ساعت ۷ بعد از ظهر در سالن معاریو تمپل.

اخبار مدرسه کنیسای نصح یسرائل تلفن ۱۷۱۰-۸۵۸

مدرسه نصح یسرائل، بابرخورداری از مر بیان مجرب و کارآموزده آمادگی ثبت نام از فرزندان شمارادرتیم جدید تحصیلی اعلام می نماید. برنامه آموزش شامل زبان عبری، تاریخ و فرهنگ یهود، اعیاد، آمادگی برای بروبت میتصوا می باشد که با آخرین متد آموزش تدریس می شود.

برنامه هیلیل ایرانیان برای ماه فوریه

جمعه ۳ فوریه - شام شبات به سبک ایرانی، به همراهی ربای حنینیم سایدیلر فیروخانم ربای پاتریشیا کارلین.

شنبه ۱۱ فوریه پارتی.

یکشنبه ۲۶ فوریه کنسرت موسیقی اصیل ایرانی با شرکت فرید فرجاد و شهلا سرشار.

انتخابات هیلیل ایرانیان در روز یکشنبه ۱۸ ژانویه برگزار شد و افراد زیر برای مدت ۶ ماه مسئولیتهای اجرایی و اداری رابه عهده گرفتند.

خانمها: ژیلار ارسطوزاده، سیما جوهری - آقایان: رامین حکیمی پور، هوتن کامران، هوشنگ کهن، بهرام کهن صدق و بهرام شمسیان.

جلسه عمومی اعضای هیلیل ایرانیان در اولین پنج شنبه همراه برگزار می شود. برای اطلاعات بیشتر با هیلیل ایرانیان تلفن ۳۰۸۳-۲۰۸ تماس بگیرید.

انجمن هاوسازمانها

سازمان بانوان یهود مقیم لوس آنجلس

جلسه گردهمایی گذشته سازمان بانوان در کتابخانه شهر سانتامونیکا با حضور عده زیادی از اعضاء برگزار شد.

سینار فرهنگی و مذهبی سازمان بانوان در روز ۱۶ ژانویه با استقبال عده زیادی برگزار شد. سخنرانان این جلسه عبارت بودند از: خانم طویی کرو بیان، آقای دکتر باروخ بروخیم و خانم اتل تفت از جویش فامیلی سرویس.

سازمان بانوان مهمانی نهار فامیلی در روز یکشنبه ۱۸ مارچ برگزار خواهد کرد. برای اطلاع بیشتر با خانم های اعضاء سازمان تماس بگیرید.

سازمان یکی از جلسات گردهمایی خود را در منزل خانم پروین طور برگزار کرد که وجوه دریافت شده برای نهار آنروز کلاً به سازمان خیریه هداسا اهداء شد.

دوستانان ایرانی سیتی اف هوب

روز یکشنبه ۱۵ ژانویه ۱۹۸۴ مجمع عمومی بخش کالیفرنیا سیتی اف هوب با شرکت بیش از یک هزار نفر در بورلی هیلتون تشکیل گردید.

چهار نماینده نیز از طرف هیأت مدیره دوستانان ایرانی سیتی اف هوب شرکت داشتند. در این نوع جلسات که هر سال ۴ مرتبه تشکیل می گردد و نامیده می شود هر کدام از شعبات مبلغ هدایای جمع آوری شده و حق عضویت ها را اعلام و چک آنرا تقدیم می کنند. مبلغ چک ها از زیر

یک هزار دلار تا بالای یک میلیون دلار به نسبت فعالیت هر شعبه متفاوت بود. پرداختی دوستانان ایرانی ۵۰۰۰ دلار چک و ۲۰۰۰۹ دلار پرداختی هدایای افراد نیکوکار بابت پروژه پروفیسور رهبر بود که

جمعاً ۲۵۰۰۹ دلار برای این دوره بحساب دوستانان ایرانی سیتی اف هوب منظور گردید که مورد تشویق و استقبال بی نظیر اولیاء سیتی اف هوب و حضار قرار گرفت.

امید است با پشتیبانی کلیه دوستانان گرمی ایرانی بتوانیم بیش از پیش موجبات سرفرازی ایرانیان را فراهم آورده و هموطنان عزیز را که احتیاج مبرم به این دستگاه عظیم پزشکی و تحقیقاتی دارند به آن مؤسسه راهنمایی کنیم.

روز چهارم ماه مارس جشن جوانان سیتی اف هوب در لابسترهاوس مارینا دل ری از ساعت یک تا ۵ بعد از ظهر برگزار خواهد گردید. جوانانی که در مهمانی قبلی سیتی اف هوب شرکت داشتند حق تقدم برای خرید بلیط دارند. برای اطلاعات بیشتر با تلفن ۸۰۰-۲۰۳-باخانم عادلہ تماس بگیرید.

مجمع عمومی آینده دوستانان سیتی اف هوب در آملی تاتر کتابخانه شهر سانتامونیکا روز سه شنبه ۲۸ فوریه ۱۹۸۴ ساعت ۷ بعد از ظهر تشکیل می گردد. نشانی شماره ۱۳۴ خیابان ششم (نیش شمال غربی بولوار سانتامونیکا) در شهر سانتامونیکا.

گروه پیوند

گروه جدید پیوند، با تشویق کمیته فرهنگی سازمان بانوان یهود ایران دومین جلسه گردهمایی خود را در تاریخ چهارشنبه ۱۵ فوریه در ساختمان جویش فدریشن شماره ۶۵۰۵ بولوار ویلشر سالن «ای» برگزار خواهد کرد.

هدف این گروه بحث و تبادل نظر در مورد مسایل روز جوانان و ایجاد فعالیت های اجتماعی و تفریحی برای ایجاد دوستی و آشنایی بیشتر جوانان می باشد.

برنامه کنسای نصح اسرائیل

تفیلای شب شبات ساعت ۵/۳۰ بعد از ظهر

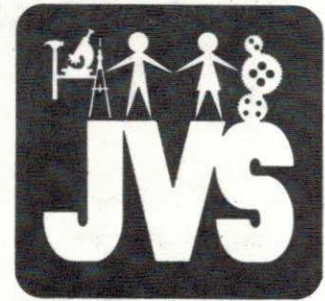
صبح شبات ۸/۳۰

بعد از ظهر شبات ۴/۳۰

دوشنبه و ۵ شنبه ساعت ۷ صبح

کمیته مشترک جوانان سازمان سیامک و نصح اسرائیل

این کمیته جشن سالگرد تشکیل سازمان سیامک را در شنبه شب ۲۱ ژانویه در «هتل پاسفیک» برگزار کرد که با استقبال فراوان اعضاء و دوستان آنها رو برو شد.



JEWISH VOCATIONAL SERVICE
of LOS ANGELES

S.F.V. 907-5506

L.A. 655-8910

Computer Programmer, Bijan Z: U.C.L.A. graduate. B.S. in math/computer science. Young and highly motivated. (BE)
Companion, Mesa E: Willing-caring. Days only. You will like her. (BE)

General Office, Sophia N: Good skills including shorthand. Speaks Farsi, Hebrew, fluent English. (BE)
Medical Field, Moussa K: Was a doctor and wants research. (SS)

Seamstress, Mino K: For women and children. Can teach, designs clothes, makes patters, paints on fabrics. (SS)

Budget Officer/Accountant, Mehrdad M: Managerial experience, but will take work on any level. (SS)

Dental Assistant, Fereydoun Y: Was a dentist. (SS)

Office Work/Retail Sales, Victor S: ESL fair, many years of experience in business. Does light typing. (RB-SFV)

Computer Sales, Kavooos F: Career seeking. Programmer background, would like to transfer to computer sales. (RB:SFV)

Computerized Office Work, Evline B: Word processing, typing 40 wpm. Very personable. (GW)

Cosmetician, Jacklin S: Licensed as a facialist. Looking for entry level work. (GW)

Electrical/Mechanical Engineer, Hamid Y: Local drafting experience. Also hands-on work in electrical repair. (GW)

بدون مخارج اولیه

بدون مخارج اولیه

Law Offices of

Denise Breakman Naghi

291 S. La Cienega Blvd., No. 210
Beverly Hills, CA 90211

دفتر و کالت دنیس ناگی

• تصادفات اتومبیل • ۲۸۲۵ ۶۵۷ (۲۱۳) • مهاجرت و تابعیت



در دفتر حقوقی دنیس ناگی اول: حق شما دریافت می گردد، بعد
شما حق الوکاله می پردازید.

در امور تصادفات اتومبیل، میزان حق الوکاله ای که به دفتر حقوقی ما می پردازند
نسبت به حق الوکاله معمول در امریکا فوق العاده کم تر است

برای کسانی که این تبلیغ را یادآوری نمایند
باهمکاری مترجم
فارسی زبان

تلفن ۲۴ ساعته
۲۸۲۵-۶۵۷ (۲۱۳)
مشاوره اولیه رایگان است

شب ها و روزهای آخر هفته،
باتعیین وقت قبلی

BULK RATE
U.S. POSTAGE
PAID
Van Nuys, Ca.
Permit 431

IRANIAN JEWISH FEDERATION
6505 Wilshire Blvd., Suite 1101
Los Angeles, Ca. 90048
ADDRESS CORRECTION
REQUESTED:

SHOFAR

سازمان یهودیان ایرانی مقیم کالیفرنیا (سیامک)

سازمان سیامک نامه ای برای درج شوفار ارسال داشته که متن آن عیناً بنظر خوانندگان گرامی می رسد

سر دبیر محترم مجله ماهانه شوفار،

محترماً به پیوست گزارشی از یک گردهمایی توسط سازمان یهودیان ایرانی مقیم کالیفرنیا (سیامک) جهت چاپ در مجله شوفار تقدیم می گردد.

سازمان یهودیان ایرانی مقیم کالیفرنیا (سیامک) جهت قوی تر کردن کادر خود و گسترش بیشتر فعالیتها در جهت احتیاجات ومشکلات جامعه روز یکشنبه هجدهم دسامبر ۱۹۸۳ در سالن لاسینگا پارک واقع در ۸۴۰۰ خیابان گریگوری اقدام به یک گردهمایی نمود. در این جلسه آشنایی از افراد تحصیل کرده، علاقه مند، مسئول، ومجرب در فعالیت های اجتماعی وعلاقه مند ومسئول دعوت بعمل آمده بود که در این گام باماهمکاری کنند، که با استقبال فراوانی مواجه شد.

پس از پذیرایی از طرف مقام ریاست سازمان خوش آمدگفته شد، سپس یکی از اعضای هیأت مدیره گزارش چند ساله سازمان و وضعیت مالی سازمان رابه سمع رسانیدند. سپس هیأت مدیره در اطراف هدف از گردهمایی واهداف سازمان بیاناتی بسمع رسانیدند که بصورت فهرست وار این تصمیمات شرح ذیل است:

۱- انتخابات آزاد سازمان جهت تکمیل کادر هیأت مدیره وتشکیل کمیته های لازم در دو مین یکشنبه ماه فوریه ۱۹۸۴.

۲- کمیته جوانان با اجرای برنامه های وسیع تر که با کمک جوانان نصح اسرائیل فعالیت می کنند.

۳- اجرای برنامه های مذهبی روزهای روش هشانا وکیپور بطوری که کاملتر و بهتر از سالهای قبل باشد.

۴- تکمیل وحمايت از صندوق همیاری دانشجویان که در کیپور گذشته پایه گذاری شد.

۵- همکاری بیشتر با فدراسیون با اعتقاد به اصل اساسنامه آن.

۶- ایجاد برنامه تعلیماتی.

۷- تشکیل کمیته تکنیکی ومتخصص از مشاغل و پیشه های مختلف جهت تشکیل سمینارها و چاپ نشریات مفید و لازم.

۸- کمک به افراد نیازمند ومحتاج.

سپس سخنران حضار راجهت بسط وتوسعه این هدفها تشکیل بدعوت در جلسات سازمان نمود ودرخواست کرد که هر هفته در جلسات روزهای سه شنبه ساعت ۶/۳۰ بعد از ظهر در محل سازمان شرکت نمایند.

در پایان با استقبال حضار گفت وشنودهایی انجام پذیرفت وافراد علاقه مند زیادی قول همکاری داده که با فعالیت های خود در این سازمان نقش ووظیفه خودشان رانسیب به اجتماع انجام دهند.

سپس اعضاء هیأت مدیره موقت سازمان بشرح ذیل معرفی شدند:

دکتر باروخ بروخیم: پرزیدنت

بنیامین امین زاده: مسئول مالی

دکتر ایزک نورمحمدی: امور فرهنگی

بهروز برلوا: مسئول کنترل کیفیت

داوید قاطان: رابط کمیته مشترک جوانان

بهروز میمند: مسئول کمیته انتخابات

منوچهر رحیم: سخنگو ورابط با فدراسیون

مهرداد کامران: مسئول روابط عمومی

خانم نعیمه صراف: دبیر

باتقدیم احترامات

دبیرخانه سازمان یهودیان ایرانی مقیم کالیفرنیا

(سیامک)

دکتر فرح حکمت (لعلی)

و دکتر فریده فرهی

متخصصین بیماریهای نوزادان، کودکان
ونوجوانان از امریکا

همکاری خویش را اعلام می دارند

414 N. Camden Dr. No. 905
Beverly Hills, CA 90210

(213) 276-0541

دکتر فرشید حکمت

جراح متخصص استخوان

ومفاصل

تلفن ۲۴ ساعته

(۲۱۳) ۶۵۷-۷۰۷۲

8635 W. 3rd. St., Suite 590 W.
Los Angeles, CA 90048

دکتر ژاله ما کابی (منصوری)

دندانپزشک

افتتاح مطب خود را به اطلاع می رساند

Warner Victory Medical Center

6325 Topanga Canyon Blvd.

No. 326

Woodland Hills, CA 91367

(213) 340-8202

تلفن ۲۴ ساعته ۰۹۱۹-۷۱۰

بیمه های درمانی پذیرفته می شوند

دکتر جهانگیر جانفزا



متخصص درکابروپراکتیک

— طب سوزنی

معالجه دردهای عصبی، سردرد،

گردن درد، کمردرد، و صدمات ناشی

از تصادفات اتومبیل و سایر حوادث

بدون تجویز دارو.

بیمه های درمانی پذیرفته میشود

9301 Wilshire Blvd. Suite 611
Beverly Hills, Ca. 90210

تلفن ۲۴ ساعته ۸۴۹۴-۸۵۹ (۲۱۳)

15301 Ventura Blvd. Suite 300
Sherman Oaks, Ca. 91403

Tel: (213) 907-8566

دکتر بهرام کشفیان

دندانپزشک

Bahram Kashfian D.M.D.
Prosthodontist

Century Medical Plaza
2080 Century Park East, Suite 1201
Century City

Tel: (213) 553-1578

پذیرائی باتعین وقت قبلی

دکتر پرویز پیرنظر



متخصص بیماریهای زنان و زایمان

10921 Wilshire Blvd. Suite 1110

(Westwood Medical Plaza)

Los Angeles, Ca. 90024

Tel: (213) 824-0049

وقایع تاریخی ومذهبی یهودی

ماه آدار ریشون ۵۷۴۴

(برابر با آدینه سوم فوریه تا یکشنبه چهارم مارس ۱۹۸۴)

توضیح: در تقویم عبری که تاریخ بر مبنای سال قمری محاسبه می شود، در هر دوره تسلسل ۱۹ ساله چهار سال کبیسه یا به اصطلاح سال سیزده ماهه وجود دارد. در چنین سال ماه آخر یعنی ماه سیزدهم را «آدارشنی» (یا آدار دوم) و ماه دوازدهم را «آدار ریشون» (یا آدار اول) می نامند.

هرگاه سال سیزده ماهه یعنی کبیسه که به عبری «شانامو برت» گفته می شود باشد، همه اعیاد و نزیایام روزه (تعنیت) سالهای معمولی که در ماه دوازدهم برگزار می گردد، به ماه سیزدهم که «آدارشنی» هست موکول می گردد و این درست وضعی است که در سال جاری ۵۷۴۴ که سال کبیسه (شانامو برت) هست با آن روبرو هستیم.

جمعه سی ام شواط و شنبه اول آدار ریشون (برابر با سوم و چهارم فوریه ۱۹۸۴)

— دوروز اول و دوم آدار ریشون که به همین مناسبت طی تیفلیای صبح شبات دوسفر تورا درمی آورند.

— هفتم ماه آدار ۲۴۸۸ (۳۲۵۶ سال قبل) سالروز تولد مشه بن عمران که ضمناً سالروز وفات اومی باشد و موشه که در روز هفتم آدار ۲۳۶۸ در خانه پدرش عمران و مادرش یوخوت در مصر پابعرصه جهان گذاشته بود پس از ۱۲۰ سال عمر رسیدن به والاترین مقام انسانی وهم کلام شدن با پروردگار یکتا در بالای کوهی مقابل ارض موعود دارفانی را وداع گفت. با توجه به اینکه روز ۷ آدار هم سالروز تولد وهم سالروز تولد پیغمبر یهوداست در چنین روزی نه به شادی می نشینند و نه به عزا.

چهاردهم آدار (برابر با ۱۷ فوریه) پوریم قاطان که درست یکماه بعد از آن یعنی چهاردهم آدارشنی جشن پوریم خواهد بود.

شانزدهم آدار (برابر با ۲۰ فوریه) سالروز درگذشت هانری مرآسان دانشمند یهودی فرانسوی (۱۸۵۲-۱۹۰۷) برنده جایزه نوبل در رشته شیمی در سال ۱۹۰۶.

هجدهم آدار (برابر با ۲۱ فوریه) سالروز درگذشت باروخ اسپینوزا فیلسوف یهودی اهل هلند (۱۶۳۲-۱۶۷۷).

نوزدهم آدار (برابر با ۲۲ فوریه) سالروز درگذشت استفان زوایک، نویسنده نامی یهودی اهل آلمان (۱۸۸۱-۱۹۴۲).

بیستم آدار (برابر با ۲۳ فوریه) سالروز درگذشت یوهان گوتمبرگ، اهل آلمان (۱۴۶۸-۱۴۰۰) مخترع ماشین چاپ که اولین چاپ توراى مقدس مرهون این اختراع پرارزش می باشد. **بیست و نهم آدار ریشون**: شبات شقالیم.

یکشنبه سی ام آدار ریشون و دوشنبه اول آدارشنی (برابر با چهارم و پنجم مارس ۱۹۸۴) دوروز روش خودش آدارشنی ۵۷۴۴.

تهیه وتنظیم: الیاس اسحقیان

حق اشتراک مجله شوفار

خواهشمنداست مبلغ ۳۶ دلار بابت اشتراک سال ۱۹۸۴ مجله شوفار را به ضمیمه این پرسشنامه برای فدراسیون یهودیان ایرانی ارسال فرمایند.

Name _____

Address _____

Tel. No. _____

IRANIAN JEWISH FEDERATION

6505 Wilshire Blvd., Suite 1101

Los Angeles, CA 90048